

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
The Realization of "Islamic Architecture" from the Perspective of the Theory of
"Religious Science" In Search of Theoretical Foundations for "Islamic Architecture
"School" as One of the Components of the "New Islamic-Iranian Civilization
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

تحقق «معماری اسلامی» از دیدگاه نظریه «علم دینی» (در جستجوی مبانی نظری برای «مکتب معماری اسلامی» به عنوان یکی از مؤلفه‌های «تمدن سازی نوین اسلامی-ایرانی»)

سلمان نقره کار^۱، مهدی ابراهیمی^{۲*}

۱. استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.
۲. دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۳ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

چکیده

بیان مسئله: «علم دینی» یا «علم اسلامی» دارای ریشه‌ای کهن بوده و تاریخ آن با شکل‌گیری اسلام مطابق است اما شکل امروزی آن تحت عنوان نظریه علم دینی پس از ظهور انقلاب صنعتی و علوم مدرن و شهود نتایج منفی آن، در جوامع اسلامی بیان شد. این نظریه پس از انقلاب اسلامی در ایران با هدف اسلامی کردن علوم و در پی آن اسلامی کردن دانشگاه‌ها و تولید علم در راستای تحقق «تمدن نوین اسلامی-ایرانی» از سوی نظام حکمرانی به عنوان مطالبه‌ای از سوی اندیشمندان مطرح شد و به طور جدی بررسی شد، چنان‌که اکنون به قوام قابل قبولی رسیده است. از این رو، لازم است کاربرد این نظریه در علوم مختلف بررسی شود. از سویی، بحث معماری اسلامی و تحقق آن در معماری معاصر و آینده ایران از چالش‌های مهم کشور در حوزه معماری است. از این جهت، بررسی ارتباط این دو موضوع با این سؤال که «شاخص‌های معماری اسلامی از منظر نظریه علم دینی چیست؟» به عنوان پرسش اصلی و «معماری اسلامی چه هست و چه نیست؟» به عنوان پرسش فرعی مورد نظر قرار گرفت.

هدف پژوهش: هدف این پژوهش تبیین شاخصه‌ها، چهارچوب و اصولی برای «تحقق معماری اسلامی» با بهره‌گیری از مبانی «نظریه علم دینی» است.

روش پژوهش: در راستای تحقق هدف پژوهش، ابتدا ملاک‌های علم دینی و سپس ابعاد معماری از منظر حکمت اسلامی با روش کتابخانه‌ای استخراج و با روش تحلیل محتوای کیفی، تحلیل شده است. سپس با داده‌های به دست آمده از آن و با روش استدلال منطقی، چهارچوبی مفهومی برای تحقق معماری اسلامی از دیدگاه نظریه علم دینی تبیین شده است.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تحقق معماری اسلامی از دیدگاه نظریه علم دینی مستلزم اسلامی بودن پنج معیار «موضوع، مبنا، منبع، روش و کاربرد» در چهار حوزه «علوم طبیعی و پایه، علوم انسانی و اجتماعی، علوم کاربردی و مهندسی، و هنر» در معماری است. از مجموع ترکیب پنج معیار علم دینی در چهار حوزه معماری به عنوان یک علم بین‌رشته‌ای، بیست شاخص برای «معماری اسلامی» به دست آمد. این بیست معیار به هم پیوسته بوده‌اند و یک مفهوم منسجم، یکپارچه و واحد را به صورت یک منظومه معرفتی تحت عنوان «معماری اسلامی» سامان می‌دهند. بدیهی است که شناخت و معرفت معماران و نیت عمل به آموزه‌های اسلامی، شرط لازم برای شکل‌گیری آثار شایسته است. شرط کافی، دارا بودن مهارت تبدیل نظر به عمل و اثر است. آثار معماری حاصل این فرایند، به طور نسبی «اسلامی» هستند.

واژگان کلیدی: علم دینی، معماری اسلامی، حکمت اسلامی، تمدن نوین اسلامی-ایرانی، آموزش معماری، پژوهش معماری.

مقدمه

شکل‌گیری «تمدن نوین اسلامی- ایرانی»^۱ که به‌عنوان افق بلندمدت کشور از سوی رهبری حکیم ترسیم شده، مستلزم «تولید علم» مبتنی بر «آموزه‌های اسلامی» و متناسب با «بوم ایرانی» است (Noghrekar, 2022). در این رهگذر، بحث علم دینی از مهمترین دغدغه‌های اندیشمندان مسلمان در چند دهه اخیر بوده است. این علم در تمدن‌های اسلامی سابقه طولانی داشته است. تا قبل از تکیه بر علوم جدید در غرب، علوم طبیعی و تجربی در جهان اسلام در طول دین بوده و با جهان‌بینی دینی به وجود می‌آمدند. نتایج آن بزرگانی همچون «ابن سینا، زکریای رازی، خیام و ...» هستند که علوم طبیعی را در چهارچوب دینی یا اساساً بر مبنای پیش‌فرض‌های (انسان‌شناسانه یا هستی‌شناسانه اسلامی) عرضه و در حوزه معماری بزرگانی همچون «شیخ بهایی» که علم معماری را از منظومه اندیشه دینی دریافت و ارائه کردند. چنان‌که نتایج آن در معماری سنتی کشور به‌وضوح رُخ می‌نماید. اما در دنیای غرب، از قرن هفدهم میلادی و با ظهور دکارت، نیوتون، گالیله و ... علم جدید متولد شد که نه در تقابل با دین ناب، بلکه در تقابل مسیحیت تحریف‌شده قرون وسطا بود. مشخصه این علم، اتکاء صرف بر استدلال ریاضی و مشاهده تجربی بود. پس از آن، در قرن هجده و نوزده میلادی پیشرفت گسترده علوم تجربی به وقوع پیوست، که در سایه تلاش دانشمندان برای کشف طبیعت و به‌خدمت‌گرفتن آن در جهت رفاه بشر حاصل شده بود، اما در کنار آن پیامدهای نامبارک و تأسفباری مانند تخریب محیط‌زیست، جنگ، مشکلات روحی و روانی انسان‌ها، جامعه جهانی را در بر گرفت که محصول جدایی دین الهی از علم بود. با ظهور نتایج منفی علوم به اصلاح سکولار^۲ در جوامع بشری، اندیشمندان مسلمان به ارائه راهکاری برای تعامل مجدد میان علم و دین پرداختند که از آن با عنوان «علم دینی» یا علم اسلامی یاد می‌شود (موحد ابطی، ۱۴۰۲). نظریه علم دینی ابتدا به‌عنوان علمی درجه دو به بیان راهکار در حوزه دینی کردن علوم پرداخته و اکنون نوبت به تخصصی‌شدن این موضوع در رشته‌های علمی مختلف است. از این‌رو، این پژوهش بر آن است تا تحقق معماری مطلوب اسلامی را از دیدگاه نظریه علم دینی بررسی کند.

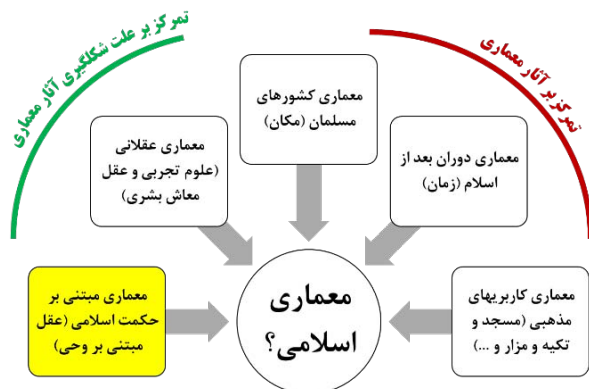
در پاسخ به این پرسش که «معماری اسلامی چیست؟» (و چه نیست؟) پاسخ‌های متنوعی بیان شده است که شاید بتوان اصلی‌ترین آنها را در چهار گروه دسته‌بندی کرد. گروه اول، آن را معماری کاربری‌های مذهبی (مسجد و تکیه و مزار و ...) می‌دانند. گروه دوم، معماری دوران بعد از اسلام (تکیه‌بر زمان شکل‌گیری آثار) و گروه سوم، معماری

کشورهای مسلمان (تکیه‌بر مکان شکل‌گیری آثار) را معادل «معماری اسلامی» بیان می‌کنند. هر سه دیدگاه تمرکز بر «آثار» و مصادیق معماری دارند. دیدگاه چهارمی که فراتر از مصادیق، مبانی شکل‌گیری آثار را نیز مد نظر دارد «معماری اسلامی» را همان «معماری عقلانی» می‌داند (با تکیه بر عقل معاش و نه لزوماً عقل معاد) و بر این مبنا، هرآنچه با معیارهای علوم تجربی و عقل بشری مورد تأیید باشد را اسلامی می‌داند. اما کدامیک از این دیدگاه‌ها صحیح‌تر و جامع‌تر است؟ این پژوهش در جستجوی کشف پاسخ این پرسش است و پس از طی فرایند پژوهش، با ابتناء بر «نظریه علم دینی» دیدگاه «معماری مبتنی بر حکمت اسلامی» به‌عنوان نگرش نسبتاً جامع در تبیین «معماری اسلامی» مطرح خواهد شد (تصویر ۱).

براین اساس، هدف پژوهش پیش‌رو، جستجوی چهارچوبی برای تحقق معماری اسلامی از منظر «علم دینی» است. پیش‌فرض پژوهش آن است که تحقق معماری اسلامی در گام دوم انقلاب^۳، مستلزم «تفقه معمارانه» در آموزه‌های وحی (قرآن و عترت)^۴ و کشف مبانی و اصول از این منبع ناب است. اگرچه بهره‌مندی از عقل و تجربه گذشتگان که در سنت معماری ایرانی و معماری سنتی ایران متبلور است، راهگشاست، اما با نگاهی عمیق‌تر می‌توان فراتر از تحلیل آثار، با سیری از صورت به حکمت سنت معماری ایرانی، از میوه‌ها به ریشه‌ها و مبانی نظری شکل‌گیری آنها که همانا «نگرش اسلامی» به «انسان و جهان و مکان» بوده، دست یافت، در همین راستا، پرسش پژوهش آن است که «شاخص‌های معماری اسلامی از منظر نظریه علم دینی چیست؟» و پرسش فرعی اینکه «معماری اسلامی چه هست و چه نیست؟» این پژوهش در جستجوی کشف این شاخص‌ها بر مبنای نظریه «علم دینی» است.

ادبیات موضوع

واژه‌های «هنر اسلامی»، «معماری اسلامی» و «شهر اسلامی» از کنجکاوی اروپاییان در مناطقی که



تصویر ۱. تعاریف مختلف از معماری اسلامی. مأخذ: نگارندگان.

وجه عینی و کالبدی موضوع مورد نظر متجلی خواهد شد. معماری و شهرسازی اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. زمانی که الگو، مبانی، ارکان، صفات و اصول و راهبردهای معماری و شهرسازی بنا بر آموزه‌های اسلامی باشد، آن را اسلامی دانسته و فضای خلق‌شده را فضای حیات طیبه می‌نامند.

محسن قرائتی و رحیم قربانی از دیدگاه نقلی و روایی به موضوع معماری اسلامی پرداخته‌اند. محسن قرائتی (Gharaati, 2015) در کتاب «سیمای مسکن و شهر اسلامی» به این موضوع پرداخته و با بیان ۸۰۰ آیه در قرآن کریم و صدها حدیث این بحث را تبیین کرده است. رحیم قربانی (۱۳۹۳) نیز در کتاب «معماری و شهرسازی مطلوب اسلامی»، مطلوبیت‌های اسلام درباره معماری و شهرسازی از دیدگاه فقه شیعی شده است. دسته دیگر از پژوهشگران در حوزه «معماری برگرفته از حکمت اسلامی» به موضوع «اخلاق اسلامی» در معماری پرداخته‌اند. از این دسته می‌توان به مرادپور و همکاران (Moradpour et al., 2019) اشاره کرد. به نظر ایشان معماری با وجود ابعاد اخلاقی مهم و گسترده آن، مدت‌های مدیدی است که ذیل زیبایی‌شناسی ملاحظه می‌شود نه ذیل اخلاق. هر عمل اختیاری و ارادی انسان، مشمول ملاحظه و داوری اخلاقی است. ساختن، بنیادی‌ترین عمل در معماری است و پیامدها و آثار بسیاری در انسان، طبیعت و محیط مصنوع دارد، بنابراین می‌بایست موضوع داوری، اخلاقی باشد. اخلاق قدیم در تمدن‌های اسلامی، اخلاق فضیلت‌گرا است. از این جهت، اخلاق فضیلت، نظریه‌ای سنتی و اسلامی است. در مقابل، اخلاق کانتی جزء مهمترین نظریه‌های اخلاقی جدید است که نظریه‌ای مبتنی بر کردار و نانتیجه‌گرا (وظیفه‌گرا) به شمار می‌آید. انتخاب دو نظریه اخلاقی دارای فاصله تاریخی، روابط آنها را با معماری اسلامی و معماری مدرن، بهتر قابل درک و فهم می‌سازد (ibid.). این پژوهش با بهره‌گیری از مبانی و اصول نظریه «علم دینی» در پی آن است تا با دیدگاهی کل‌نگر معماری را از دیدگاه حکمت اسلامی مورد بررسی قرار دهد.

مسیر و روش پژوهش

این پژوهش از دیدگاه هدف، بنیادی - کاربردی و از نظر ماهیت کیفی است. در راستای پاسخ به پرسش پژوهش ابتدا با شیوه کتابخانه‌ای و با روش تحلیل محتوای کیفی به بررسی نظریه علم دینی پرداخته شده و پس از تحلیل دیدگاه‌های ده نظریه‌پرداز، اصول آن استخراج، سپس دسته‌بندی و وجوه مشترک نظریه‌ها، جمع‌بندی شده است. در گام بعد، ضمن ارائه تعریفی از معماری به‌عنوان یک تخصص میان‌رشته‌ای، علوم و فنون تشکیل‌دهنده آن تبیین می‌شود. در گام

اسلام در آن ریشه دوانیده بود، نشئت گرفته است (Mardani et al., 2023). واژه «معماری اسلامی» نخستین‌بار در قرن نوزدهم میلادی، توسط پژوهشگران اروپایی به‌کار برده شد (Aminpoor et al., 2018). تا امروز برداشت‌های مختلفی توسط اندیشمندان و پژوهشگران حوزه هنر، معماری و شهرسازی از این ترکیب واژگانی شده است که می‌توان آنها را در چهار گروه دسته‌بندی کرد. چهار تعریف بیان‌شده از «معماری اسلامی» بدین قرار است: «معماری دوارن اسلامی»، «معماری کشورهای اسلامی (مسلمانان)»، «معماری بناهای اسلامی» و «معماری برگرفته از حکمت اسلامی» (نقره‌کار، ۱۴۰۳). تعریف این پژوهش از معماری اسلامی مطابق با تعریف آخر از معماری اسلامی یعنی «معماری برگرفته از حکمت اسلامی» است که بیشترین قرابت را با نظریه «علم دینی» دارد. این برداشت از معماری اسلامی، در ایران و پس از انقلاب اسلامی شکل گرفت. در این دسته نیز زیرشاخه‌های مختلفی وجود دارد. دسته‌ای از پژوهشگران همچون عبدالحمید نقره‌کار و محمد نقی‌زاده از دیدگاه «فلسفه و کلام اسلامی» به موضوع «معماری اسلامی» پرداخته‌اند. عبدالحمید نقره‌کار (۱۳۸۹) با بهره‌گیری از فلسفه اسلامی، مجموع علوم اسلامی را به دو ساحت «حکمت نظری و عملی» یا «جهان‌بینی و ایدئولوژی» دسته‌بندی می‌کند. حکمت اسلامی در بخش جهان‌بینی (حکمت نظری - هست‌ها) به چیستی انسان و محیط و در بخش ایدئولوژی (حکمت عملی - باید‌ها) به چگونگی رابطه آن‌ها و حدود و حقوق الهی در این‌باره می‌پردازد. قاعدتاً معمار مسلمان باید اثر معماری خود را براساس شناختی که از حکمت اسلامی (حکمت نظری و عملی) دریافت می‌کند، بنا کند. براساس این دیدگاه ایشان (Noghrekar, 2021) نظریه «نسبت اسلام با مراحل پنج‌گانه در فرایندهای انسانی نظیر آثار هنری، معماری و شهرسازی» را ارائه کردند که در آن خلق اثر معماری در پنج مرحله جهان‌بینی، احکام، روش‌های عملی (اصول اجتهادی)، پدیده معماری و تأثیرات پدیده بر مخاطبین، انجام می‌گیرد. محمد نقی‌زاده (۱۳۹۵) نیز با بهره‌گیری از فلسفه اسلامی و با دیدگاهی عقل‌گرا به بررسی معماری و شهرسازی اسلامی پرداخته است. حاصل این دیدگاه در نظریه «فضای حیات طیبه؛ شهر آرمانی اسلام» بیان شده است. ایشان در این نظریه معتقد است برای هر اثر انسانی «الگویی» مفروض است. هر پدیده‌ای دارای «مبانی» خاص خود است. هر چیزی دارای «ارکانی» است که بدون آنها، پدیده مورد نظر امکان ظهور و بروز نخواهد یافت. علاوه بر این‌ها، هر پدیده‌ای «صفاتی» نیز دارد و مضاف بر این‌ها، برای شکل‌دادن و ایجاد آن باید «اصولی» را به کار گرفت؛ که با به‌کار بستن آنها

مراتبی قائل بودند که از معرفت حسی آغاز و علم، استدلال و علم کشفی را دربر می‌گرفت و وحی در منتهی‌الیه آن قرار داشت (خسروپناه و بابایی، ۱۳۹۳). نکته مهم اینکه واژه علم برای تمامی آن علوم به کار می‌رفت. دلیل اینکه بعضی دانشمندان مسلمان به کسب علوم طبیعی و ریاضی پرداختند و در آن از سرآمدان روزگار خود شدند، این بود که از نظر آنها این علوم به شناخت آیات آفاقی و انفسی پروردگار کمک می‌کند و در واقع هر یک از آنها بُعدی از ابعاد صنع الهی را به ما می‌نمایاند (Golshani, 2012). بنابراین علوم مختلف از یکدیگر گسسته نبودند، بلکه یک وحدت ارگانیک و سازمان‌یافته داشتند. اندیشه وحدت خالق و انسجام عالم خلقت، اصل حاکم بر علوم و فنون اسلامی بود (خسروپناه و بابایی، ۱۳۹۳). به عبارتی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی توحیدی همچون روحی جاری در تمامی علوم موج می‌زد و معماری سنتی در چنین فضای علمی-حکمی شکل می‌گرفت.

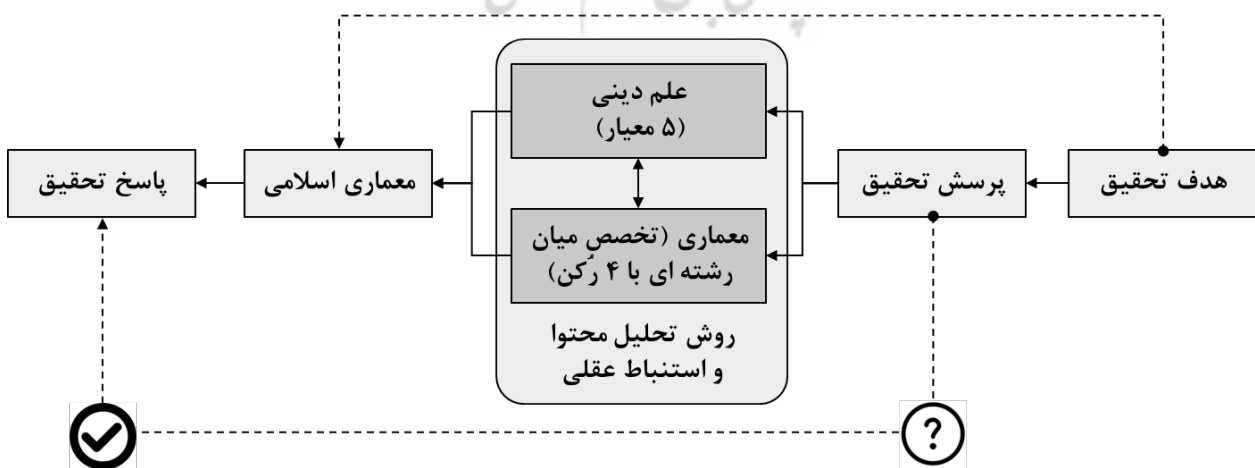
علم سکولار یعنی علمی که دغدغه‌های الهی ندارد و تنها علم را به صورت تجربه و کاربرد آن نتایج تجربی می‌بیند. این علم پس از رنسانس در اروپا پایه‌گذاری شد و در قرن هجدهم میلادی ظهور یافت و تا قرن بیستم تمام جهان را در بر گرفت (Vaezi, 2008). اما این علم در کنار پیشرفت‌ها و دستاوردهای گسترده بشری، پیامدهای سویی به دنبال داشت؛ از جمله: تخریب محیط‌زیست، علم‌زدگی و بحران هویت، عدم توجه به دین و انسان‌گرایی، جنگ‌های گسترده در سطح جهان و دیگر مشکلات عدیده در جامعه جهانی (Golshani, 2015). علم سکولار با حذف خدا و ماوراءالطبیعه از حوزه علم شروع می‌شود، با تقلیل جهان طبیعت به جنبه تجربه‌پذیر و کمیت‌پذیر آن و حذف معارف غیرتجربی از قلمروی معارف بشری ادامه می‌یابد، به تفکیک

بعدی، به عنوان تحلیل یافته‌های دو گام قبل، نسبت «علوم میان‌رشته‌ای معماری» با «علم دینی» با روش استدلال منطقی، روشن می‌شود. سپس در مرحله جمع‌بندی، پاسخ پرسش مکشوف شده و در مرحله نتیجه‌گیری، چهارچوبی مفهومی برای «تحقق معماری اسلامی از دیدگاه نظریه علم دینی» تدوین شده است (تصویر ۲).

مبانی نظری

• علم دینی: تعریف، دامنه و محدوده اثر آن

نسبت علم و دین در تاریخ اسلام همواره مثبت و تعاملی بوده است، تاریخ تمدن اسلامی تاریخ بناشدن علوم بر مبنای جهان‌بینی دینی و بالندگی این تمدن هم در سایه عمل به دستورات دین اسلام است. به عبارتی، رویکرد دین اسلام، به فعالیت علمی، رویکردی فعال و مشوق است (برخلاف رویکرد کلیسای قرون وسطا، که رویکردی منفعل و بلکه بازدارنده بوده است). آیات فراوانی که دعوت به تدبیر در طبیعت می‌کنند^۵ و روایات متعددی که دلالت بر این موضوع دارند^۶، پایه‌گذار علومی در جهان اسلام شدند که علمی دینی بود، اما رفته‌رفته با ظهور علوم مدرن این چراغ کم‌فروغ و حتی بی‌فروغ شد (Golshani, 2012). یاری‌نشدن علوم جدید از ناحیه علمای اهل دین و به تبع آن دورماندن علوم از مبانی الهی، بستر را برای شیوع و ترویج علم سکولار فراهم ساخت، البته در جهان اسلام علوم طبیعی ابتدا براساس مبانی اسلامی شکل می‌گرفت اما در دوران معاصر این تفکر تضعیف شد و نهایتاً تحت‌الشعاع مبانی سکولار قرار گرفت (ibid., 2015). علوم طبیعت در جهان اسلام تا قبل از تکنون علم جدید، بخشی از فلسفه را تشکیل می‌داد و همراه با الهیات و ریاضیات یکجا عرضه می‌شد^۷ و همگی در چارچوب متافیزیک الهی قرار می‌گرفتند. متفکران مسلمان برای علم



تصویر ۲. مسیر و روش پژوهش. مأخذ: نگارندگان

میان علم و اخلاق ختم می‌شود و هدفش کسب قدرت است و هیچ‌گونه توصیه اخلاقی را حتی برای کسانی که قدرت فراوانی در اختیارشان قرار می‌دهد، به همراه ندارد (Azadegan, 2013). در مقابل، علم دینی مدعی است که حذف خدا از قلمرو علم امکان‌پذیر نیست و در حقیقت، هر علمی از آن نظر که شناخت آیات خداست نوعی خداشناسی محسوب می‌شود و عدم عنایت به عالم معنا و ماورای طبیعت در حوزه علم مساوی است با درافتادن در ورطه نیهلیسم و به رسمیت‌نشناختن معارف وحیانی و شهودی، منجر به ازدست‌دادن چیزی است که لازمه اساسی تکامل بشر بوده و در خود عالم طبیعت هم رازهایی فراتر از آنچه با میزان تجربه و کمیت قابل سنجش است، وجود دارد (بلانین، ۱۳۸۶).

پس از نمایان‌شدن پیامدهای علوم مدرن، اندیشمندان اسلامی از اواسط قرن بیستم میلادی بر پایه مفاهیم اصیل اسلامی، نظریه علم دینی یا علم اسلامی را مطرح کردند. این نظریه پس از انقلاب اسلامی در ایران به‌طور جدی بحث و بررسی شد. چنان‌که امروز به قوام قابل قبولی رسیده است. در اینجا با بهره‌گیری از «روش پژوهش دلفی» و مراجعه به خبرگان عرصه «علم دینی» نظر مهمترین اندیشمندان ایرانی در مورد علم دینی در جدول ۱ بیان شده و شاخص‌های مهم هر نظریه استخراج شده و با «روش تحلیل محتوا» وجوه مشترک «علم دینی» از میان نظرات به دست آمده است.

اکنون با این هدف که یک نظریه مبنای تأثیر بر معماری قرار گیرد، لازم است یک جمع‌بندی از وجوه مشترک دیدگاه‌های بیان‌شده، ارائه شود. با تحلیل محتوای نظرات اندیشمندان در باب نظریه علم دینی و شاخص‌های برداشت‌شده از نظرات آنها، می‌توان تعریف علم دینی یا علم اسلامی را این‌گونه بیان کرد: «علمی که در پنج حوزه موضوع، مبنای، منبع، روش و کاربرد مبتنی بر آموزه‌ها و تابع دستورات دین اسلام باشد». البته این ابتناء در نظر و تبعیت در عمل به‌طور نسبی بوده و علوم می‌توانند تا حدی حدودی دینی باشند. ضمن اینکه مقوله دینی‌بودن علم در علوم مختلف (علوم طبیعی و انسانی) متفاوت است. بر پایه حکمت اسلامی علوم به دو قسم تقسیم می‌شوند: دانش‌هایی که مستقل از اراده انسانی هستند (علوم طبیعی و پایه) و دانش‌هایی که با اراده انسانی ایجاد می‌شوند (علوم انسانی و اجتماعی) (Jawadi-Amuli, 2023).

در تکمیل بحث برای تعریف جامع از موضوع علم دینی، ابتدا باید ارکان آن یعنی علم و دین را تعریف کرد. در فلسفه علم، یکی از پرسش‌های اصلی این است که چه وقت یک مجموعه گزارش تبدیل به «علم» می‌شود؟ آن‌قدر منسجم می‌شود

که بتوان آن را مستقل از علوم دیگر یک «علم» دانست؟ چه وقت تمایز پیدا می‌کند؟ یکی از پاسخ‌های آن نظریه «همسازی و سازواری مؤلفه‌های رکنی علم» است که چنین بیان می‌دارد که زمانی یک «علم» به وجود می‌آید که در پنج مؤلفه سازوار و هماهنگ شده باشند: در «مبنای، موضوع، مسائل، منهج و روش، غایت یا هدف و کاربرد»؛ هرگاه یک دانش در این مؤلفه‌های پنج‌گانه هماهنگ، سازوار و یک سو شود، یک «علم» تکوین پیدا می‌کند و تولید می‌شود (Sadeghi Rashad, 2021). تعریف علم در دو معنای کلی قابل بیان است: ابتدا به معنای مطلق درک و معرفت و دوم به معنای شاخه و رشته‌ای از علوم (Jawadi-Amuli, 2007). بنابراین لفظ علم به‌صورت مشترک هم برای علوم (به معنای آگاهی) و هم برای علوم تجربی به‌طور خاص بیان می‌شود (خسروپناه و بابایی، ۱۳۹۳). آنچه در موضوع علم دینی مورد بحث است، اصطلاح دوم است.

اما در تعریف دین، به مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین فقهی و حقوقی گویند که از ناحیه خداوند برای هدایت و رستگاری بشر و برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان تعیین شده است (Jawadi-Amuli, 2008). در تعریفی دیگر، دین، «دستگاه جامع معرفتی - معیشتی‌ای است که از سوی مبدأ هستی و حیات برای تأمین کمال و سعادت دنیا و عقبی آدمیان الهام و ابلاغ شده باشد» (تبیین نظریه ...، ۱۳۹۸).

براساس این دو تعریف از «علم و دین» می‌توان «علم دینی» را در پنج حوزه «موضوع، مبنای، منبع، روش و کاربرد» به شرح زیر تبیین کرد:

- دینی‌بودن علم به‌لحاظ موضوع: ملاک اول به‌لحاظ موضوع است؛ یعنی اگر موضوع یک علم دین باشد، علم دینی خوانده می‌شود. مثلاً اگر موضوع یک علم، شناخت خدا و افعال و اقوال او باشد، آن علم به‌لحاظ موضوع، دینی است؛ یا اگر موضوع علوم انسانی، حوزه تجویزهای خداوند مانند فقه باشد، این علم دینی است. به‌لحاظ تاریخی «اگوست کنت» این موضوع را بیان کرد و معتقد بود که بشر در دوران اولیه، علمش دینی بود چون همه عالم را خدایان و افعال خداوند می‌داند ولی بشر مدرن علمش غیردینی است؛ چون موضوعش الهی نیست و موضوع آن عالمی است که خالی از اعتقادات الهی است. دینی‌بودن علم از لحاظ موضوع در علوم طبیعی و علوم انسانی متفاوت است. در علوم طبیعی موضوع علم فعل خداوند یا خلقت است، ازاین‌رو، قطعاً موضوع اسلامی است، حال چه عالم موحد باشد چه ملحد اما در علوم انسانی موضوع فعل انسانی است. ازاین‌رو، در علوم انسانی، علمی اسلامی است که برگرفته از منابع الهی باشد (Jawadi-Amuli, 2023). ازاین‌منظر، اگر معمار در معماری،

جدول ۱. تعاریف علم دینی از دیدگاه اندیشمندان. مأخذ: نگارندگان.

شماره	نظریه پرداز	نظریه	شاخص‌های دینی بودن علم
۱	آیت‌الله جوادی آملی (نظریه یا رویکرد اجتهادی)	از نظریه آیت‌الله جوادی آملی (Jawadi-Amuli, 2023) در حوزه علم دینی با عنوان «رویکرد اجتهادی» یاد می‌شود. ایشان در این نظریه، علمی را دینی می‌دانند که شامل شش شرط باشد: دینی بودن علم بر حسب موضوع، دینی بودن علم به لحاظ فلسفه و متافیزیک، دینی بودن علم به لحاظ روش، دینی بودن به لحاظ عالم، دینی بودن علم به لحاظ فرهنگ و تمدن، دینی بودن علم به لحاظ تجویز. ایشان علم دینی را نسبی دانسته و معتقداند هر علمی با توجه به داشته‌هایش از شش شرط یاد شده، می‌تواند به‌طور نسبی اسلامی باشد. ایشان (Jawadi-Amuli, 2020) همچنین میان علوم طبیعی و علوم انسانی از لحاظ اسلامی بودن، تفاوت قائل هستند و هر یک را دارای شرایط خاص خود می‌دانند. ایشان علوم طبیعی را علمی می‌دانند که موضوع آنها فعل الهی است، پس ناگزیر از جهت موضوع خود، دینی هستند. به‌طور مثال، ایشان میان زمین‌شناسی اسلامی و غیره اسلامی تفاوتی قائل نیستند زیرا هر دو به فعل الهی می‌پردازند، حال چه عالم مسلمان باشد چه ملحد. اما علمی که موضوع آنها فعل انسان است مانند مدیریت، هنر، قضاوت و... تنها در صورتی دینی خواهد بود که مطابق دستورات و قوانین الهی باشد.	دینی بودن علم از نظر موضوع، فلسفه، روش، عالم، فرهنگ و تجویز
۲	دکتر مهدی گلشنی (نظریه حاکمیت جهان‌بینی دینی در جوامع علمی)	نظریه دکتر گلشنی (۱۳۹۳) با عنوان «حاکمیت جهان‌بینی دینی در جوامع علمی» شناخته شده است. این نظریه موفق به کسب جایزه علمی از بنیاد تمپلتون به‌عنوان بزرگترین جایزه علمی جهان شده است. دیدگاه ایشان درباره علم دینی، دیدگاه میانی است. این رویکرد با مبنا قرار دادن جهان‌بینی دینی، به طرح دیدگاه پرداخته است. به اعتقاد ایشان علم دینی، علمی است که اولاً مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی باشد؛ ثانیاً جهان را هدف‌دار ببیند؛ ثالثاً خود در راستای آن اهداف، جهت‌دار و هدفمند باشد. دینی بودن هدف علم از دو منظر مطرح است: نظری و عملی. هدف در بُعد نظری، کشف آیات الهی در آفاق و انفس و آشنایی با طرح خلقت و درک قدرت و عظمت الهی است و هدف در بُعد عملی، تسلط بر جهان طبیعت به منظور رفع نیازهای مشروع بشر و استفاده از امکاناتی است که خداوند برای بشر فراهم ساخته است و نیز در جهت اعتلای جامعه اسلامی و استقلال آن از بیگانگان، درحالی‌که هدف علم سکولار، تسلط بر جهان طبیعت به منظور رفاه بیشتر انسان‌ها و تسلط بر دیگر ملت‌هاست. به عبارت دیگر، علم دینی دانشی است که اولاً پیش‌فرض‌های متافیزیکی آن متأثر از جهان‌بینی دینی باشد؛ ثانیاً بینش دینی حاکم بر علم و عالم در جهت‌گیری‌های کاربردی علم نقش داشته باشد (Golshani, 2015).	دینی بودن علم از نظر جهان‌بینی و هدف
۳	دکتر خسرو باقری (نظریه تأسیسی علم دینی)	نظریه دکتر باقری (۱۳۹۳). به نام «نظریه تأسیسی علم دینی (استنباطی تأسیسی)» مطرح شده است (بستان، ۱۳۹۵). روش استنباطی در علم دینی معتقد به جامعیت دین در تمام حوزه‌ها از جمله علم تجربی است. بدین ترتیب، راهکار تحقق و ظهور علم دینی در گرو آن است که اولاً آموزه‌های دینی در قلمرو مورد نظر از علوم تجربی چندان وفور و غنا داشته باشد که بتوان از آنها به‌عنوان پیش‌فرض آن علم استفاده کرد؛ ثانیاً از پیش‌فرض‌های مهیا شده برای صورت‌بندی فرضیه‌هایی متناسب با قلمرو علم مورد نظر استفاده شود؛ ثالثاً در مقام آزمون این فرضیه‌ها، شواهدی برای تبیین و نظارت ناشی از دین به دست آید؛ رابعاً تعداد این‌گونه فرضیه‌های مستظهر به شواهد در حدی باشد که بتوان نظریه‌ای در باب موضوع مورد مطالعه در علم شکل داد. چنین نظریه‌ای حاوی علمی است که می‌توان آن را علم دینی نامید (Bagheri, 2012).	دینی بودن علم از نظر پیش‌فرض
۴	آیت‌الله میرباقری (نظریه دانش ولایی)	این نظریه تحت‌عنوان نظریه «دانش ولایی» مطرح شده است (Khosropanah, 2012). در این نظریه، علم دینی بدین معناست که ولایت الهی بر فرایند پیدایش علم در همه مراتبش حاکم شود (Geraei & Mesbah, 2020). ایشان (میرباقری، ۱۳۹۶) معتقدند در زمینه علوم نظری، علم دینی، علمی است که با جهان‌نگری دینی سازگار است. اما آن دسته از علوم که ناظر به واقعیت هستند، حتماً مشتمل بر یک فلسفه و جهان‌نگری هستند. اگر این جهان‌نگری دینی بود، این علم دینی است و اگر نبود این علم دینی نیست.	دینی بودن علم از نظر جهان‌گری و فلسفه
۵	آیت‌الله مصباح (نظریه تذهیب و تکمیل)	ایشان قائل به نظریه «تذهیب و تکمیل» هستند. در این نظریه گفتگو از پایگاه اندیشه اسلامی با نظریه‌های علمی غرب بدین منظور که راهی در این میانه گشوده شود، انجام می‌شود (Mohammadi Abtahi, 2022). از دیدگاه ایشان (Mesbah Yazdi, 2015) اگر علمی در موضوع، مسائل و هدفش با دین ارتباط پیدا کند، می‌تواند دینی یا ضددینی تلقی شود.	دینی بودن علم از نظر موضوع و هدف
۶	دکتر خسروپناه (نظری حکمی - اجتهادی)	نظریه دکتر خسروپناه تحت‌عنوان نظریه «حکمی - اجتهادی» شناخته می‌شود. این نظریه تا حدود زیادی پیرو نظریه علم دینی آیت‌الله جوادی آملی است (خسروپناه و بابایی، ۱۳۹۳). دکتر خسروپناه (Khosropanah, 2013) معتقد است ارائه تعریف و الگو برای تولید علم دینی با توجه به اینکه علوم با یکدیگر تمایز روشی، موضوعی و غایی دارند، متفاوت است؛ از این‌رو، نمی‌توان به تعریف و الگوی واحدی برای تولید علم دینی اکتفا کرد و باید از الگوهای متفاوت بهره برد.	دینی بودن علم از نظر روش، موضوع و هدف
۷	دکتر حسین سوزنچی (۱۳۸۹)	دکتر سوزنچی معتقد است در هر موضوعی از موضوعات که علمی یا تکیه‌بر مبنای معتبر فلسفه الهی، از منابع معرفتی مورد قبول اسلام، در راستای غایات اسلامی تولید شود علم اسلامی است.	دینی بودن علم از نظر موضوع و هدف

شماره	نظریه پرداز	نظریه	شاخص های دینی بودن علم
۸	دکتر بستان (Bostan, 2019) (نظریه اجتهادی - تجربی)	این نظریه تحت عنوان نظریه «اجتهادی - تجربی» بیان شده است. در این نظریه علم دینی در سطح فراتجربی، به اقتضای مورد از یکی از روش های معتبر عقلی، شهودی یا نقلی اجتهادی استفاده می کند اما در سطح تجربی، در مقام گردآوری عمدتاً به روش اجتهادی، یعنی روش استنباط از متون دینی تبلور یافته در روش های فقهی - تفسیری متکی است و در مقام داوری، از روش تجربی پیروی می کند، روشی که بر آزمون های منجر به تأیید یا ابطال فرضیه های برگرفته از متون دینی استوار است.	دینی بودن علم از نظر روش و پیش فرض
۹	آیت الله صادقی رشاد (Sadeghi Ra-shad, 2021)	به نظر ایشان دینی بودن علم در گرو دینی بودن «مؤلفه های رکنی پنج گانه» علم است. این عناصر عبارتند از: مبادی نظری، موضوع، مسائل، غایت و منطق علم (تبیین نظریه ... ۱۳۹۸).	دینی بودن علم از نظر موضوع، مسائل، مبادی نظری، غایت و منطق علم.
۱۰	شهید مطهری (۱۳۹۱)	ایشان هر علمی که به حال اسلام و مسلمین نافع است و برای آنها لازم است را علم دینی دانسته و معتقدند اگر عالم با خلوص نیت برای خدمت به اسلام، علمی را فرا گیرد، مشمول اجر و ثواب تحصیل علم به گونه ای که در شریعت مقدس آمده است، می شود.	دینی بودن علم از نظر غایت و پیش فرض.
جمع بندی و وجوه مشترک	پنج محور «مبنا و پیش فرض ها + موضوع + روش و منطق + منبع + هدف و کاربرد» باید دینی باشد تا «علم دینی» محقق شود.		

«معماری اسلامی» است. البته شناخت و معرفت، شرط لازم است و مهارت تبدیل آن شناخت به اثر معماری، شرط کافی و البته که توفیق الهی (مسبب الاسباب)، شرط نهایی است.^۹ اگر مأموریت اصلی معماران «ساماندهی مکان زندگی انسان در بستر محیط» باشد، آنگاه شناخت «انسان و محیط و نسبت میان این دو» مبنای تصمیمات آنان در طراحی خواهد بود. این شناخت هر دو ساحت «هست ها و باید ها» را شامل می شود که اگر از هر دو منبع «عقل و وحی» باشد (پیامبر درون و بیرون)^{۱۰}؛ قاعدتاً اصول معماری منتج از آن، را می توان عقلانی و اسلامی و آثار معماری مبتنی بر آن را نیز «معماری اسلامی» دانست (Noghrekar, 2022).

- دینی بودن علم به لحاظ روش: در علم دینی روش کار در هر علمی متناسب با نوع موضوع آن علم است، اگر موضوع از محسوسات تجربی از قبیل زمین، آسمان، دریا، صحرا، گیاهان و مانند آن باشد که با تجربه حسی و امثال حس سروکار دارند، باید به صورت تجربی بررسی شود. اگر فعل خدا عقلی محض بود نظیر مسئله وحی، نبوت، رسالت و ولایت، جز در برخی مقدمات با حس و تجربه حسی کار ندارد. پس تجربی بودن، تجربی بودن، عقلی بودن و امثال آن، روش های متناسب با هر موضوع است (Jawadi-Amuli, 2023). روش متأثر از ابزارهایی است که برای کسب علم و معرفت معتبر هستند. مثلاً پوزیتیویست ها، فقط ابزار حس را می پذیرند، حال اینکه دین معتقد است دانش علمی، به دانش تجربی محدود نیست و معرفت عقلی و وحی نیز معرفت علمی

قصد رعایت حدود و حقوق الهی را داشته باشد، آنگاه باید ابتدا این حدود را شناسایی و به آن معرفت یابد و سپس به آنها عمل کند، در نتیجه به همان میزان، «معماری اسلامی» تحقق می یابد.

- دینی بودن علم به لحاظ مبنا و متافیزیک: منظور از مبنا و متافیزیک، جهان بینی عالم در زمان تولید علم است. اگر متافیزیک غیردینی باشد، علوم نیز همان می شود. چراکه جهان بینی و فلسفه الحادی موجب فلسفه مضاف الحادی است که قهراً موجب علم الحادی می شود. از این رو، همان گونه که هر علم به لحاظ موضوع آن به دینی بودن و غیردینی بودن متصف می شود، به لحاظ متافیزیک نیز این کار انجام می شود (Golshani, 2015). از این منظر، اگر پیش فرض های معمارانه در طراحی و ساخت بنا برخاسته از جهان بینی اسلامی باشد، همان قدر «معماری اسلامی» است. به عنوان نمونه توجه معماران سنتی به این سنت الهی که در آیات قرآن به آن اشاره شده «ما هر چه آفریدیم به اندازه آفریدیم»^{۱۱} موجب هندسه مندی و نظم آشکار و پنهان در تاروپود و جزء و کل آثار معماری ایرانی شده است که ریشه در چنین نگرشی به جهان و «نقش و تکلیف معمار در این میان» دارد.

- دینی بودن علم به لحاظ منابع: منابع معرفت در جهان بینی سکولار، داده های حسی و تفکر بشری است و در جهان بینی الهی، داده های حسی، تفکر، وحی و شهود است. از آنجاکه شناخت «انسان، جهان و مکان» لازمه کار معماری است، پس اگر این شناخت از منبع اسلامی باشد، به همان میزان،

حدود زیادی می‌تواند جامع تعاریف موجود باشد، معماری عبارت است از «ساماندهی مکان زندگی انسان در بستر محیط (توسط معمار)» (Noghrekar, 2022). در این تعریف، معماری را مرکب از صنعت (علوم طبیعی و مهندسی) و هنر (علوم انسانی و هنر) دانسته‌اند. مهندسی ساختمان شامل تمام دستاوردهای علوم تجربی با روش استقرای عقلی و نتایج آن در شرایط همسان در همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها مشابه است. در مورد علوم انسانی و هنر به‌طور اجمالی می‌توان علوم انسانی را مجموعه کنش‌های انسانی و هنر را تجلی حسن و زیبایی دانست (نقره‌کار، ۱۳۸۹).

تعاریف مختلفی در باب تبیین معماری اسلامی بیان شده است، همچون: معماری مسلمانان، معماری کشورهای مسلمان، معماری دوران اسلامی و معماری بناهای اسلامی (مسجد، تکیه، مزار و ...). اما تعریف این پژوهش از معماری اسلامی، معماری است که بر پایهٔ حکمت اسلامی بنا شده باشد. از این رو، با توجه به مطالب بیان‌شده در بخش تعریف علم دینی، از دیدگاه حکمت اسلامی، دانش‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند. دانش‌هایی که مستقل از ارادهٔ انسانی هستند (علوم طبیعی و پایه) و دانش‌هایی که با ارادهٔ انسانی ایجاد می‌شوند (علوم انسانی و اجتماعی) (Jawadi-Amuli, 2023). معماری به‌عنوان یک دانش بین‌رشته‌ای شامل هر دو دسته می‌شود. برای بیان دقیق‌تر موضوع در اینجا معماری به چهار بخش «علوم طبیعی و پایه، علوم انسانی و اجتماعی» و دو بخش میانی بین این دو با عنوان «علوم مهندسی و هنر» تقسیم می‌شود.

شرح مطلب ابتدا از علوم طبیعی و پایه در معماری آغاز می‌شود. علوم طبیعی، شاخه‌ای از علوم است که با توصیف، پیش‌بینی و درک پدیده‌های طبیعی مبتنی بر شواهد تجربی ناشی از مشاهده و آزمایش، سروکار دارد و در آن،

است (پیروزمند، ۱۳۹۲). در روش پوزیتیویستی، حتی خیلی از معارف ارزشی نیز از دایرهٔ علم خارج می‌شوند؛ چون روش و ابزار پوزیتیویست فقط حس است. از این منظر، از آنجاکه «معماری» دانشی میان‌رشته‌ایست که از یک سو با «انسان» و از دیگر سو با «محیط» و در نهایت با «مکان/ ساختمان» پیوند خورده است، لازم است روش‌های متنوعی متناسب با این سه موضوع برای کسب یا کشف یا تولید علم به کار گرفته شود. به‌خصوص در بخش «انسان‌شناسی و محیط‌شناسی» اگر علاوه بر «حس و تجربه» از ابزارهای «عقل و شهود و وحی» نیز بهره گرفته شود، به همان میزان «معماری اسلامی» خواهد بود.

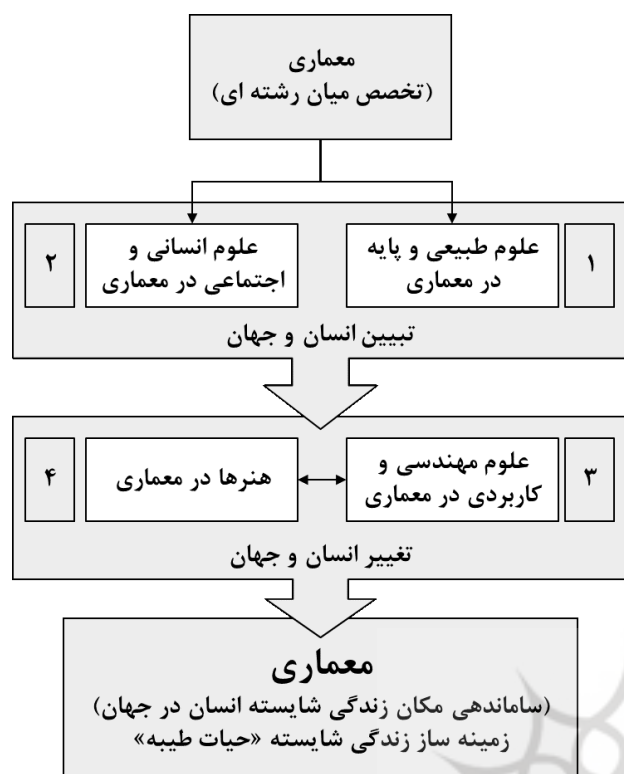
- دینی بودن علم به لحاظ کاربرد: کاربرد علم در تفکر سکولار تسلط بر جهان طبیعت به منظور رفاه بیشتر انسان‌ها (و پروا تر شدن سرمایه در نظام سرمایه‌داری حاکم بر جهان امروز است) و در تفکر الهی، کشف آیات آفاقی و انفسی الهی به منظور رفع نیازهای مشروع فردی و اجتماعی و تعالی جامعهٔ اسلامی است (خسروپناه و بابایی، ۱۳۹۳) از این منظر، به هر میزانی که مکان زندگی انسان زمینه‌ساز «حیات طیبهٔ فرد و جامعه» و بلکه محیط‌زیست و طبیعت بشود (و مانع آن نباشد) همان قدر «معماری اسلامی» است (تصویر ۳).

• معماری (تخصصی میان‌رشته‌ای)

معماری تعاریف گسترده‌ای دارد، ویتروویوس آن را ترکیب «کارایی، ایستایی و زیبایی» می‌داند و استاد عیسی حجت (۱۳۸۲) با تكملة‌ای آن را فراتر از صفات سه‌گانهٔ نامبرده، دارای صفت «والایی» نیز بیان می‌دارد. جنبهٔ مشترک عموم تعاریف، بیانگر ساحت‌های متنوع «هنری، علمی، فنی- مهندسی، علوم انسانی و ...» معماری است که وجه تمایز (و رقابت) معماران آن است که چگونه این کثرت را در آثارشان به وحدت تبدیل کنند (همان). در ساده‌ترین معنایی که تا



تصویر ۳. ملاک‌های دینی بودن علم، وجه مشترک و اجماع نظرات خبرگان این موضوع. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. علوم و فنون تشکیل دهنده معماری (تخصص میان رشته ای). مأخذ: نگارندگان.

دارند و آدمی در آن مداخله‌ای ندارد، فقط فاعل شناسنده است اما دو ساحت دوم، نقش «تغییر عالم و آدم» و عرصه مداخله انسان در جهان با هدف کاربردی بهبود زندگی آدمی است؛ بنابراین بسته به اینکه چه شناختی از انسان و جهان و رابطه این دو وجود دارد، مکانی متناسب با آن ساخته (مهندسی)، آراسته (هنر) و آفریده می‌شود (ترکیب این موارد) تا زمینه‌ساز حیات طیبه انسان‌ها باشد.

تحلیل یافته‌ها (تحقق معماری اسلامی از دیدگاه علم دینی) با توجه به مطالب بیان‌شده در بخش‌های گذشته، در این بخش تحقق معماری اسلامی از دیدگاه نظریه علم دینی تحلیل و بازاندیشی خواهد شد. رویکرد این مقاله در بخش‌های پیش، بیشتر «دانش محور و برون‌گرا» و در جستجوی یافتن نظرات دیگران، دسته‌بندی و فهم آنها در منظومه‌ای یکپارچه برای تنظیم یک چهارچوب متقن بود. اما اکنون با رویکردی «بینش محور و درون‌زا» سعی می‌شود با «گوارش دانش برگرفته از دیگران» دستاوردهای علمی ایشان فرآوری و طرحی نو برای یک نظریه (معماری اسلامی) پی‌ریزی شود.

همان‌طور که در بخش‌های قبل با استناد به منابع معتبر از منظر اندیشمندان هر دو حوزه (معماران و اسلام‌شناسان) بیان شد، معماری به‌عنوان علمی بین‌رشته‌ای به چهار بخش «علوم طبیعی و پایه، علوم انسانی و اجتماعی، علوم مهندسی و کاربردی و هنر» تقسیم شد. از سویی دیگر، نظریه علم

سازوکارهایی مانند داوری همتا و تکرارپذیری یافته‌ها برای اطمینان از اعتبار اکتشافات علمی استفاده می‌شوند. علوم پایه نیز مجموعه علمی است که با روش علمی و با هدف بهبود نظریه‌های علمی برای درک بهتر یا پیش‌بینی طبیعت یا سایر پدیده‌ها ایجاد می‌شود. این علوم به بررسی بنیادین پدیده‌ها یا بررسی ماهیت، قوانین و روابط حاکم بین آنها می‌پردازد. از بارزترین این علوم می‌توان به ریاضیات، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی اشاره کرد. در معماری از علوم طبیعی و پایه به‌طور گسترده استفاده می‌شود. به‌طور مثال، برای شناخت سایت از زمین‌شناسی، برای شناخت محیط از اقلیم‌شناسی و برای شناخت فیزیولوژیکی انسان از زیست‌شناسی استفاده می‌شود. دوم، علوم انسانی و اجتماعی در معماری: علوم انسانی و اجتماعی شامل علمی است که به بررسی کنش‌های انسانی، انسان می‌پردازد. همه کنش‌های انسان، انسانی نیست. مانند هاضمه، غذاخوری و ...، این کنش‌های زیستی و فیزیولوژیکی هستند. کنش‌هایی که درون وجود انسان به وجود آمده و با روح و روان او در ارتباط است، کنش انسانی دانسته می‌شود (Sharifi, 2017). از جمله علوم انسانی و اجتماعی که در حوزه معماری برای شناخت درونی انسان و روابط بین انسان‌ها استفاده می‌شود، می‌توان به روانشناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی اشاره کرد. سوم، علوم کاربردی و مهندسی در معماری: این حوزه برگرفته از ترکیب دو بخش گذشته و کاربرد آن در زندگی انسان است. علوم مهندسی شاخه‌ای علمی و بین‌رشته‌ایست که هدف آن توسعه پایه‌های نظری برای تحلیل پدیده‌های علمی و کاربردهای مهندسی آنها، آینده‌پژوهی در فناوری، و انتقال فناوری‌های قدیمی به نو است. از نمونه‌های این حوزه در معماری می‌توان به مهندسی سازه، مصالح و فناوری‌های نوین اشاره کرد. در مقایسه میان «علوم طبیعی و اجتماعی» با «علوم مهندسی» می‌توان چنین گفت که دو گروه اول، به تبیین عالم و آدم می‌پردازند و سومی، کاربرد و هدفش تغییر عالم و آدم است. اما چهارمین رکن معماری، عبارت از «هنر در معماری» است. هنر، عبارت از تجلی زیبایی است و نقش آن در معماری، «معنابخشی به مکان» است. معماران با دعوت از هنرها به معماری، تلاش می‌کنند زیبایی‌های جهان و انسان را کشف و به ساکنان یک مکان هدیه کنند و مکانی لذت‌بخش و رشدافزا برای بهره‌برداران خلق کنند. به میزان عمق و ظرافت نگاه هنرمند معمار به «انسان و جهان» و البته متناسب با مهارت هنرورزی معمارانه وی، مکانی زیبا سامان خواهد یافت. پس هنر نیز وابسته به شناخت معمار از «انسان و جهان و رابطه این دو است» (تصویر ۴).

رابطه میان این چهار عرصه، ارتباطی هم‌بسته و علت و معلولی است. یعنی دو ساحت اول، نقش «تبیین عالم و آدم» را

برای بنای آن، باید هر یک از ستون‌ها استحکام نسبی داشته باشد و در جای صحیح خود، در منظومه فکری و عملی این مکتب، قرار گیرند (تصویر ۵).

از آنجاکه هدف این پژوهش، تبیین «معماری» از منظر «علم دینی» است، در ادامه، با مبنا قراردادن هر یک از چهار رکن معماری در چهارچوب «علم دینی-اسلامی»، چهارچوبی برای «معماری اسلامی» تدوین می‌شود. یعنی بر مبنای محورهایی در ادامه تشریح می‌شود، معیارهای پنجگانه اسلامی بودن معماری استنباط می‌شود تا بنای «مکتب معماری اسلامی» برپا شود.

• پنج معیار اسلامی بودن علوم طبیعی و پایه در معماری از جنبه «موضوع» تمام موضوعات در علوم طبیعی و پایه در حوزه معماری، فعل خداوند بوده و تفاوتی از این لحاظ بین آنها نیست. پس تمام علوم از این نظر، دینی محسوب می‌شوند. به‌طور مثال، معمار نیاز به شناخت انسان از نظر فیزیولوژیکی و شناخت محیط از نظر اقلیمی دارد. شناخت این دو، از نظر موضوع، دینی و غیردینی ندارد و از آنجاکه هر دو مخلوق خداوند هستند و شناخت مخلوقات امری توصیه شده در اسلام است^{۱۱}، پس این علوم از نظر موضوع، علم دینی محسوب می‌شوند اما از نظر «مبنا»، متافیزیک یا جهان‌بینی معمار به‌عنوان عالم در تولید علم دینی (معماری اسلامی) در این حوزه مهم و تعیین‌کننده است (Fanaei Ashkouri, 2013). چنان‌که نتیجه کار را تغییر می‌دهد. به‌طور مثال، معمار زمانی که با جهان‌بینی اسلامی به رابطه بنا و محیط می‌نگرد، نه محیط را غالب می‌بیند (تفکر شرقی) و نه بنا را (تفکر غربی)، بلکه به رابطه

دینی نیز به‌طور جامع بررسی شد و پنج ملاک دینی بودن علم از لحاظ «موضوع، مبنا، منبع، روش و کاربرد» از آن استخراج شد. در این مرحله، طی تحلیل و ترکیب یافته‌ها، مفهوم دینی بودن بخش‌های چهارگانه معماری با پنج معیار استخراج‌شده از علم دینی کشف و استنباط خواهد شد.

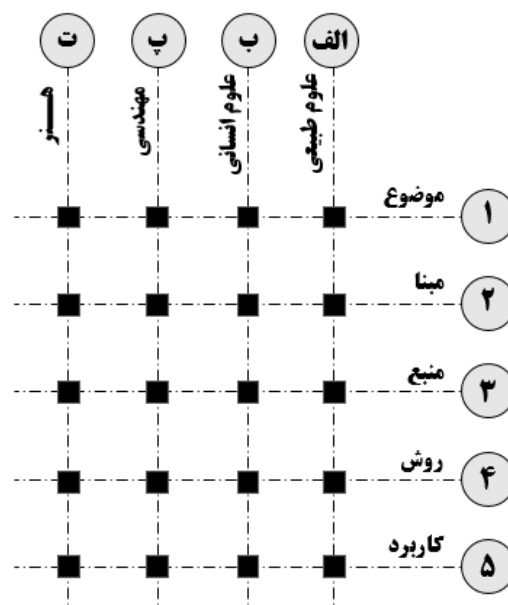
جدول ۲ بیانگر آن است که برای تحقق معماری اسلامی، باید حداقل ۲۰ معیار حاصل شود. به بیان دقیق‌تر، می‌توان در هر ردیف و در هر ستون نیز یک جمع‌بندی داشت (نه معیار کلی‌تر و یکپارچه‌تر) و در نهایت می‌توان بیانیه «مکتب معماری اسلامی» را به‌عنوان ۳۰ امین معیار با جامعیت نسبی، تدوین کرد. همچنین این چهارچوب مفهومی می‌تواند به‌عنوان معیاری برای تشخیص میزان اسلامی بودن یک مکتب معماری، یا ارزیابی یک اصل معماری یا حتی نقد اثر معماری، ایفای نقش کند. بنابراین پاسخگویی به پرسش فرعی پژوهش (معماری اسلامی چه هست و چه نیست؟) با کمک **جدول ۲**، ۳۰ معیار، فراهم خواهد شد. همین‌جا معلوم است که از یک سو تحقق «معماری اسلامی» امری نسبی، دقیق و ظریف است و نمی‌توان مطلقاً یک مکتب یا یک اثر معماری را «اسلامی، یا غیراسلامی» دانست. از دیگر سو، نمی‌توان آن را به واژگانی کلی همچون «هر معماری خوب» یا «هر معماری عاقلانه» فروکاست. بلکه می‌توان براساس این معیارها انواع «مکاتب نظری و آثار معماری» را به دقت و به‌صورت روشمند، ارزیابی و نقد کرد و شاکله مبانی نظری «مکتب معماری اسلامی» را بنیاد نهاد و «طرحی نو» در انداخت. از این منظر، می‌توان «مکتب معماری اسلامی» را به ساختمانی تشبیه کرد، که دارای ۲۰ ستون است که

جدول ۲. تحقق معماری اسلامی از دیدگاه نظریه علم دینی مستلزم اسلامی بودن هر یک از ارکان چهارگانه معماری، در هر پنج معیار است. مأخذ: نگارندگان.

الف ب علوم طبیعی و پایه در معماری علوم انسانی و اجتماعی در معماری	پ علوم مهندسی و کاربردی در معماری	ت هنر در معماری	جمع‌بندی یک (اسلامی بودن هر چهار رکن معماری، از یک جنبه)	ارکان تشکیل‌دهنده معماری به‌عنوان تخصص میان‌رشته‌ای
۱ از نظر موضوع	الف-۱	ب-۱	پ-۱	ت-۱
۲ از نظر مبنا	الف-۲	ب-۲	پ-۲	ت-۲
۳ از نظر منبع	الف-۳	ب-۳	پ-۳	ت-۳
۴ از نظر روش	الف-۴	ب-۴	پ-۴	ت-۴
۵ از نظر کاربرد	الف-۵	ب-۵	پ-۵	ت-۵
جمع‌بندی دو (اسلامی بودن هر یک از ارکان معماری از پنج جنبه)	الف ۵+۴+۳+۲+۱	ب ۵+۴+۳+۲+۱	پ ۵+۴+۳+۲+۱	ت ۵+۴+۳+۲+۱
جمع‌بندی نهایی (۲+۱) معیارهای سی‌گانه تحقق «معماری اسلامی»				

است. شواهد زیادی هست که افراد تربیت یافته، مراتبی از حقیقت هستی را مشاهده کرده‌اند و می‌کنند. در فتوت‌نامه^۱ بنیان (Agasharifian Esfehiani & Aminpour, 2015) اشاراتی به تسبیح «آجر و سنگ و گچ» شده که بیانگر چنین ظرفیتی برای کسب یا کشف معرفت نسبت به جهان طبیعت است. همچنین برای بهره‌مندی از منبع «وحی» علاوه بر تزکیه باید توانایی تدبیر و تفقه معمارانه داشت تا بتوان از منبع ناب و غنی قرآن، بهره جست. از دیدگاه علم دینی روش علوم طبیعی و پایه در معماری همان «تجربه حسی و استدلال عقلی» است. هرچند اگر جهان هستی آیات الهی دانسته شوند، علاوه بر روش‌هایی که به شناخت علل صوری و مادی طبیعت می‌پردازد باید از روش‌هایی که به حقیقت و غایت جهان و خالق آن می‌پردازد نیز بهره جست. از جنبه «کاربرد»، زمانی معماری اسلامی تحقق می‌یابد که کاربرد آن در راستای هدف عالی دین یعنی حیات طیبه انسانی و آبادانی محیط‌زیست باشد. واژه قرآنی «وَسَخَّرَ لَكُمُ»^۲ یعنی «خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین است در تسخیر شما (انسان‌ها) قرارداد»، همچنین واژه «وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»^۳ که بیانگر وظیفه انسان در آبادانی زمین و شکوفایی ظرفیت‌های بالقوه آن است، بیانگر نسبت میان «انسان، جهان و مکان» در جهان‌بینی توحیدی اسلام است که حاصل آن رابطه آبادگری محیط‌زیست خواهد بود. از این منظر، یک اثر معماری زمانی اسلامی است که نه تنها حداقل آسیب به محیط‌زیست را داشته باشد، بلکه فراتر از آن موجب آبادانی آن نیز بشود. همچنین اگر «معمار محقق» علاوه بر علل صوری و مادی این پدیده‌ها، به علل فاعلی و غایی آنها نیز توجه کند^۴، زمینه‌ساز معرفت بیشتر و در پی آن عبودیت عمیق‌تر وی خواهد شد که در خودسازی معمارانه وی نیز اثرگذار است. (نقره‌کار، ۱۴۰۱). همان‌گونه که مشاهده می‌شود، اگر با عینک اسلامی نگریسته شود، حتی علوم طبیعی و پایه نیز کاربردی «معرفتی-تربیتی» برای معماران و بهره‌برداران دارند و رویکردی لطیف‌تر حتی به علوم تجربی به انسان هدیه می‌کند.

پنج معیار اسلامی بودن علوم انسانی و اجتماعی در معماری شناخت انسان در معماری از دو وجه مهم است. یکی خودشناسی و خودسازی معمار و دوم، شناخت بهره‌برداران از مکانی که معمار آن را میل‌سازد. از جنبه «موضوع»، انسان (فرد و جامعه) تاجایی که به «واقعیت وضع موجود انسان (هست‌ها)» می‌پردازد، می‌تواند موضوع دینی باشد. هرچند آموزه‌های دینی (قرآن و عترت) تبیین دقیق‌تر، عمیق‌تر و وسیع‌تری از واقعیت انسان ارائه داده‌اند اما آنگاه که به «حقیقت و غایت مطلوب» انسان بپردازند (بایدها)، جنبه تجویزی و ایدئولوژیک می‌یابد و نقش آموزه‌های دینی



تصویر ۵: تبیین بیست شاخص معماری اسلامی از دیدگاه نظریه علم دینی. مأخذ: نگارندگان.

تعاملی بنا به عنوان ساخته انسان با محیط که در اسلام آمده است، می‌پردازد. همچنین اگر براساس هستی‌شناسی اسلامی، جهان را منظومه‌ای حکیمانه و عادلانه بداند، آنگاه تلاش خواهد کرد که آثار معماری وی هم‌آهنگ با این نظام باشد و موسیقی ناکوک نوازد. اگر جهان را «مُسخر انسان» بداند، آنگاه تلاش خواهد کرد اولاً تمامی ظرفیت‌های بالقوه پدیده‌های جهان را (همانند باد، آفتاب و ...) بشناسد و ثانیاً، با روش‌ها و فنون مناسب، آنها را در راستای برآوردن نیازها و رشد ساکنان، از قوه به فعل برساند (معنای قرآنی کلمه «استعمار») یا اگر جهان را دارای مراتبی از جماد و نبات و حیوان و انسان بداند، در طراحی یک مکان (که معماری عموماً با جماداتی همچون خاک، سنگ، آهن و شیشه سروکار دارد) تلاش خواهد کرد که از طبیعت نیز به معماری خود دعوت کند تا به «حال خوب» بهره‌برداران از آن مکان دست یابد. از جنبه «منابع»، علاوه بر حس و عقل، شهود و وحی هم منبعی معتبر برای شناخت طبیعت هستند. منبع حس و تجربه، واقعیت انسان و جهان را نشان می‌دهد اما منابع «شهود و وحی» معماران را به حقیقت و غایت آنها رهنمون می‌شوند. بنابراین، در معماری باید با نگرش قرآنی و حیانی نیز به طبیعت نگریست و یافته‌های منتج از چنین نگرش جامعی، در تصمیمات معمارانه اثرگذار خواهد بود. از جنبه «روش» پژوهش، علوم پایه و طبیعی در معماری، از روش‌های حسی-تجربی-استقرایی، همچون آزمایش و آمار و ... بهره می‌جویند که تا وقتی دستاوردهای این علوم نقض یا ابطال^{۱۲} نشده‌اند، معتبر هستند اما روش بهره‌مندی از شهود قلبی، همانا تقوا و تزکیه نفس «معمار محقق»

همان علوم اسلامی است^{۱۷}، قابل دستیابی است. از جنبه «روش»، پژوهش نیز برای کشف واقعیت موجود انسان و نیازهای متناسب با آن انواع روش‌های آماری، پرسشنامه، مصاحبه یا مشاهده میدانی، پاسخگوست اما برای شناخت غایت مطلوب انسان و تأمین نیازهای سطوح بالاتر وجود وی، باید از روش تدبیر در قرآن بهره جست. در این باره، نکته دقیقی وجود دارد و آن این است که در غور در آیات قرآن، مواجهه با محکمت و متشابهات است. برای بهره‌گیری از محکمت، روش تدبیر و برای بهره‌گیری از آیات متشابه که نیازمند پژوهش تخصصی‌تر با روش‌های تفسیری-استنباطی یا مراجعه به مفسران حکیم خواهیم بود. بنابراین، یک «معمار مسلمان» به راحتی می‌تواند براساس آموزه‌های پایه اسلامی که در «قرآن و عترت» بیان شده است، یک مبانی نظری متقن برای خود داشته باشد. پس تقدس‌بخشی افراطی به این موضوع نباید مانع بهره‌گیری از مبانی پایه اسلامی در معماری بشود. البته که هر قدر «معمار محقق» عمیق‌تر به این منابع مراجعه کند، مبانی غنی‌تری خواهد یافت و آثار زیباتری خلق خواهد کرد اما از جنبه «کاربرد»، معماری اسلامی زمانی تحقق می‌یابد که کاربرد آن در راستای هدف عالی‌دین یعنی حیات طیبۀ انسانی، همراه با آبادانی محیط‌زیست (استعمار زمین) باشد.

• پنج معیار اسلامی بودن علوم و فنون مهندسی در معماری «موضوع» علوم و فنون مهندسی، کشف ظرفیت‌های (بالقوه و بالفعل) طبیعت و اعمال تغییر در آنها برای شکوفاتر کردن آنها با هدف آسایش انسان است. بنابراین، وابستگی تام به علوم طبیعی و انسانی دارد. یعنی متناسب با شناخت انسان و طبیعت و قواعد ارتباطی این دو، تلاش می‌شود که این رابطه به نحو مطلوب تنظیم شود. پس در اولین مرحله، که همانا فهم و تبیین انسان و جهان است، آموزه‌های اسلام در هدف‌گذاری علوم و فنون اثرگذار است. در مرحله دوم، که هنگام تغییر در نظام هستی است، خداوند، حدود و حقوقی برای نحوه تعامل انسان‌ها با همدیگر و با محیط‌زیست تعیین فرموده (موضوع علم فقه و حقوق اسلامی) است که آن‌جا نیز زمانی از نظر موضوع دینی محسوب می‌شود که مطابق با دستورات اسلام باشد. از این منظر، معماری اسلامی آن معماری است که در کلیه فعالیت‌ها و تصمیمات علوم و فنون مهندسی در آن «حدود و حقوق الهی» رعایت شود^{۱۸} و احکام الهی در شکل‌گیری آن موضوعیت داشته باشد و از آنجاکه رعایت این ادب همانا «عبودیت و اطاعت رب» است (که هدف خلقت انسان است)^{۱۹}، می‌توان آن را «عبودیت معمارانه» و چنین فردی را «عبد معمار» نامید که باید در آموزش معماری و تربیت معماران، به عنوان والاترین هدف تربیت و رشد معمار مسلمان قرار گیرد. اما

قوی‌تر می‌شود. از این جنبه، معماری تنها در صورتی اسلامی خواهد بود که مطابق دستورات و قوانین الهی شکل بگیرد. به طور مثال، توجه به سبک زندگی اسلامی در معماری باعث توجه به اصولی مانند حریمیت، قناعت، پرهیز از اسراف و تجمل‌گرایی و ... می‌شود که در فرایند طراحی و شکل‌گیری کالبد معماری، اثرگذار است. همچنین به عنوان معیار نقد و ارزیابی آثار، معیارهایی تعیین‌کننده است. دینی‌شدن علوم انسانی و اجتماعی در معماری تنها زمانی محقق می‌شود که موضوع آن مطابق آموزه‌های حکمت اسلامی باشد. مثلاً غایت حیات طیبۀ برای شکل‌گیری مکان (به جای غایت نوآورانه و خلاقانه‌بودن) صورت مسئله معماری را هنگام آغاز طراحی و هنگام نقد مکان (اثر) کاملاً تغییر خواهد داد. از جنبه «مبنای اسلامی»، معمار زمانی که با انسان‌شناسی اسلامی به شناخت انسان به عنوان مخاطب معماری می‌پردازد به پاسخ‌های کاملاً متفاوتی می‌رسد نسبت به زمانی که با دیدگاه سکولار این موضوع را بررسی می‌کند. همچنین در خودشناسی معمارانه نتایج غنی‌تری برای خودسازی خواهد یافت. به عنوان نمونه، اگر انسان براساس انسان‌شناسی سکولار، صرفاً به نفس گیاهی و حیوانی تقلیل داده شود، نیازهای او نیز در همین سطح در معماری مد نظر قرار خواهد گرفت. حال آنکه، اگر براساس انسان‌شناسی اسلامی، مراتب بالاتر نفس (ناطقه قدسیه و ملکه الهیه) نیز به عنوان بخشی از وجود انسان دانسته شوند^{۲۰}، آنگاه مکانی غنی‌تر شکل خواهد گرفت که نیازهای تمامی مراتب وجودی انسان را تأمین و حتی لذت‌های عمیق‌تری را به وی هدیه می‌کند. از جنبه «منبع»، کسب علم در شناخت انسان، «حس و عقل و شهود» به عنوان منابع بشری و «وحی» به عنوان منبع فرابشری معتبر است. بر این اساس، شناخت انسان باید در سه ساحت «واقعیت موجود، حقیقت و غایت مطلوب» او باشد تا مکانی خلق شود که تمامی نیازهای او را به طور جامع برآورده کند و زمینه‌ساز «شدن و صیروت» وی از واقعیت موجود به سمت غایت مطلوب باشد. علوم روانشناسی و جامعه‌شناسی که مبتنی بر نگرش غیردینی یا سکولار هستند، صرفاً واقعیت موجود انسان را بررسی و تحلیل می‌کنند و به دلیل روش استقرایی، استحکام و اعتبار یقینی ندارند. به عبارتی، برای کشف واقعیت موجود انسان (فرد و جامعه) روش‌های کسب علم در روانشناسی با دیدگاه‌های متنوع آن (رفتارگرا، شناخت‌گرا، انسان‌گرا و ...) به طور نسبی قابل قبول است و دستاوردهای آن تا وقتی توسط روش‌های جدید نقض یا ابطال نشود، (علوم ظنی) معتبر است اما برای آگاهی از حقیقت و غایت مطلوب انسان باید به خالق انسان مراجعه کرد و آموزه‌های قرآن و عترت از روش‌های دیگری همچون «تفسیر، تدبیر، حدیث و ...» که

نیست. «مبنای» هنر و زیبایی‌آفرینی، در حکمت اسلامی، ابتدا فطرت الهی انسان است که «زیباشناس، زیباطلب، زیباآفرین» است و حاصل آن، علاوه بر لذت مادی، لذت معنوی انسان (هنرمند و مخاطب) نیز است. چراکه بر مبنای انسان‌شناسی اسلامی، آدمی دارای چهار مرتبه نفس است و هر مرتبه لذت خاص خود را دارد. از لذت‌های حواس پنجگانه، تا لذت خیال (خاطره‌انگیزی) تا لذت عقلانی تا لذت معنوی. معماری اسلامی همچون شعر حافظ ذومراتب است و هر کسی متناسب با میزان رشدیافتگی مرتبه وجودی‌اش می‌تواند از آن بهره‌مند شود. «منبع» و منشأ هنر اسلامی، صفات حُسن پروردگار است. یعنی صفاتی همچون «جمیل، جلیل، حکیم، مدبر، مقدر، بدیع و ...» که معمار هنرمند باید آن را ابتدا کشف، سپس در وجودش نهادینه کند. چراکه «از کوزه همان برون تراود که در اوست»^{۲۱}؛ در گام سوم، به واسطه مهارت‌های معمارانه، این صفات حُسن به‌طور متعادل در اثر معماری متبلور و متجلی شوند و حضور و بروز یابند. در چنین نگرشی، «روش» کشف زیبایی توسط معمار هنرمند این‌گونه است که باید خودش از طریق تقوا و تزکیه به حدی از نورانیت برسد که بتواند زیبایی‌های الهی را اول در وجود خویش متبلور و بعد به محیط پیرامون ساطع کند (ذات نایافته از هستی‌بخش، کی تواند که شود هستی‌بخش؟!); مسیر پژوهش و جستجوی حق و حقیقت در این منظومه فکری، سیری و صیوررتی از «علم الیقینی تا عین‌الیقین تا حق‌الیقین»^{۲۲} است. بر مبنای چنین نگرشی، فرایند خلق آثار معماری، پیش و بیش از آنکه به تولید اثر منجر شود، سیر و سلوکی عارفانه است که موجب تربیت نفس معمار و رشدیافتگی وی می‌شود. به عبارتی، معماری برون، مقدمه معماری درون است. «کاربرد» یا نتیجه و پیامد چنین هنری، اول رشد و حیات طيبة معمار و سپس بهره‌برداران و مخاطبان خواهد بود. چنین هنری غفلت‌زا نیست، بلکه ذکرافزا و رشدافزا است. اگرچه هنر معماری، در حد زمینه‌سازی و شرط لازم رشد مخاطب است. اراده، اختیار و اهلیت مخاطب نیز شرط کافیست.

جمع‌بندی و پاسخ پرسش (۲۰) شاخص «اسلامی شدن یا بودن» معماری

پرسش پژوهش این بود که «شاخص‌های معماری اسلامی از منظر نظریه علم دینی چیست؟» اکنون در پاسخ می‌توان گفت که اولاً معماری به‌عنوان تخصصی میان‌رشته‌ای از جنس «دانش و فن و هنر» و شامل چهار حوزه «انسان‌شناسی، طبیعت‌شناسی، مهندسی و هنر» است. ثانیاً برای «دینی‌بودن» آن پنج معیار «موضوع، مبنا، منبع، روش و کاربرد» باید اسلامی باشد. در نتیجه تحلیل روابط

به‌لحاظ «مبنایی»، از آنجاکه علوم مهندسی و کاربردی بر مبنای شناخت «انسان و طبیعت» به وجود می‌آید، نتایج آن نیز ترکیبی از آن دو است. به عبارتی علوم مهندسی در معماری، به تغییر طبیعت در راستای نیاز انسان می‌پردازد. بنابراین بسته به مبنای نظری که درباره «انسان و طبیعت» وجود دارد، میزان و روش مداخله در محیط برای برآوردن نیاز انسان، متمایز خواهد شد. بنابراین، مبنای فناوری (تکنولوژی) اسلامی در نگرش «توحیدنگر» در گرایش و جهت «کمال‌گرا» و در عرصه عمل و اقدام «تکلیف‌محور» است (Nari Ghomi & Noghrekar, 2016). «منبع» علم در علوم مهندسی و کاربردی در معماری «حس، عقل و وحی» است. یافته‌های «تجربی و عقلانی» بشر، باید با معیارهای اسلامی ارزیابی شود تا معتبر و مطلوب باشد. هرکاری که حس و عقل بشر بتوانند انجام بدهند لزوماً شایسته زندگی انسان و محیط‌زیست وی (حیات طيبة) نیست. عقلانیت بشری باید در چهارچوب حکمت الهی محقق شود و مهر تأیید آن را داشته تا به صلاح انسان و طبیعت باشد. منبع دیگر کسب علوم و فنون، علاوه بر «حس و عقل» منبع «وحی» نیز است. آیات فراوانی معلم فنون مهندسی به بشر را خداوند یا پیام‌آوران الهی بیان کرده‌اند (ساخت کشتی، زره، سدسازی و ...). در مورد «روش»، کسب و کشف علم در بخش‌های پیشین اشاره شد که هر یک از چهار منبع علم (تجربه، عقل، شهود و وحی)، روش‌های خاص خود را دارد و متناسب با صحت روش‌ها، همان‌قدر اعتبار (درونی و بیرونی) خواهد داشت. در نهایت اسلامی‌بودن معماری از نظر «کاربرد»، زمانی تحقق می‌یابد که کاربرد آن در راستای هدف عالیّه دین یعنی حیات طیب انسانی و آبادانی محیط‌زیست باشد.

• پنج معیار اسلامی‌بودن هنر در معماری

هنر، در یک تعریف کلی، عبارت از «آفرینش زیبایی» است. پس «موضوع» هنر در معماری، «زیبایی»^{۲۳} است. اگر زیبایی تجلی «حُسن و بهای رب‌العالمین» دانسته شود (خمینی، ۱۳۹۵) آنگاه موضوع هنر نیز موضوعی دینی و چنین هنری واجد صفت «اسلامی» است اما اگر صرفاً تناسب و تعادل میان رنگ و نقش فرض شود، آنگاه موضوع هنر، غیردینی خواهد بود. به‌عنوان مثال، در معماری اسلامی، زیبایی عبارت است از تجلی متعادل صفات حُسن خداوند در یک مکان (اثر معماری)، یعنی آن مکان «مفید، بدیع و نوآورانه، دارای صفت جمال و جلال و ...» باشد؛ هر یک در جای خود و به اندازه مناسب و متعادل. اگر صرفاً یک بنا خلاقانه و نوآورانه باشد، به‌دلیل عدم بهره‌مندی از بقیه صفات حُسن و تمرکز بیش از حد فقط بر صفت «بدیع (نوآور)» زیبا نیست و زینده زندگی شایسته انسان هم

«نظریه علم دینی» بود. اکنون برای اثربخشی این نگرش بر معماری کشور، چه باید کرد؟ نگارندگان در پژوهش مستقلی که به چاپ رسیده^{۲۳}، هفت عامل مؤثر بر تشکیل یا تغییر معماری در کشور را تشریح کرده‌اند که «حکمرانی معماری» مستلزم اصلاح و ارتقای تمامی این عوامل هفتگانه در چهارچوب یک منظومه فکری-تصمیم‌گیری منسجم (مبتنی بر حکمت اسلامی) است. با توجه به دستاورد پژوهش لازم می‌کند که در هر یک از این بخش‌های هفتگانه، اقداماتی انجام شود تا منجر به «تحقق معماری اسلامی» تراز جمهور اسلامی و در راستای تمدن‌سازی اسلامی- ایرانی شود:

- پژوهش‌های معماری، با هدف تولید علم و نظریه‌پردازی در این باره، همچنین کاربردی و عملیاتی کردن این نظریات در تدوین و تبیین و تجویز اصول و الگوهای معماری اسلامی شود. دستاوردهای کاربردی این پژوهش‌ها به‌عنوان پایه‌ای برای عرصه‌های بعدی (آموزش و طراحی و ساخت و ...) ایفای نقش می‌کنند.

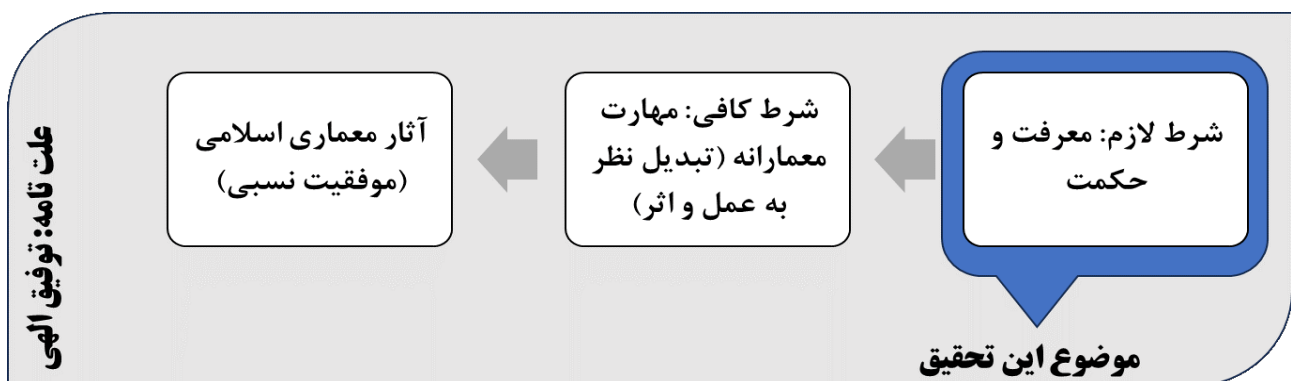
- در آموزش معماری و تربیت معماران باید برنامه و سرفصل رشته معماری بازنگری اساسی شود. به‌گونه‌ای که مبانی و اصول معماری اسلامی - با این تعریفی که بیان شد- مبنای کار قرار گیرد. در این صورت، آموزه‌های اسلامی حداقل در دو بخش «محتوا و روش» آموزش اثرگذار است. محتوای آن «معماری اسلامی» و روش آن «تربیت اسلامی معماران» خواهد شد که هر یک شاخصه‌هایی دارد و ترکیب آن موجب تربیت معمارانی خواهد شد که به‌طور نسبتاً جامع رشد و سبک زندگی و بندگی «حیات طیبه» را در می‌یابند. سپس متناسب با این تجربه زیسته، مکان‌هایی شایسته حیات طیبه دیگران سامان خواهند داد.

- در رسانه‌های معماری باید چنین نگرشی تبیین، تبلیغ و ترویج شود تا از یک سو برای معماران جوان راهگشا باشد

این حوزه‌ها، تعداد ۲۰ شاخص برای «معماری اسلامی» به دست می‌آید که در چهار فصل پنج‌بخشی به هم پیوسته‌اند، گاهی همچون تاروپود قالی در عرض یکدیگرند و همدیگر را تکمیل می‌کنند، یا شبیه به یک ساختمان که ۲۰ ستون دارد یا همچون یک درخت، از دانه و ریشه تا شاخه و میوه و مزه پیوند دارند و در نهایت یک مفهوم منسجم، یکپارچه و واحد را به‌صورت یک منظومه معرفتی تحت‌عنوان «معماری اسلامی» سامان می‌دهند که میوه‌های آن، آثار معماری شایسته و مزه آن، لذت مادی و معنوی انسان‌ها و برکت محیط‌زیست خواهد شد. براین‌اساس، مفهوم معماری اسلامی، فراتر از معماری مسلمانان در زمان و مکان خاص و حتی فراتر از معماری صرفاً عقلانی (معماری خوب) است و البته امری نسبی است. چراکه انسان به‌طور نسبی می‌تواند «ایمان + عمل صالح» داشته باشد. شرط لازم برای شکل‌گیری آثار «معماری اسلامی» ایمان و معرفت به مقوله «معماری اسلامی» و نیت عمل به آنهاست. شرط کافی، عمل و مهارت معماران در تبدیل دانسته‌ها به اثر معماری است. هر دو (معرفت و مهارت) همچون دو بال پرواز معماران، در میزان موفقیت شکل‌گیری آثار معماری اسلامی، اثرگذارند و البته که علت‌العلل نهایی، توفیق پروردگار است. در این پژوهش، به منظومه معرفتی معماری اسلامی پرداخته شد. اما بدیهی است که شناخت و معرفت معماران و نیت عمل به آموزه‌های اسلامی، شرط لازم برای شکل‌گیری آثار شایسته است. شرط کافی، دارا بودن مهارت تبدیل نظر به عمل و اثر است. آثار معماری حاصل این فرایند، به‌طور نسبی «اسلامی» هستند. ضمن اینکه براساس آموزه‌های توحیدی اسلام، علت تامه برای تحقق هر عمل و اثری، توفیق الهی است که مسبب الاسباب اوست (تصویر ۶).

نتیجه‌گیری و کاربرد پژوهش

هدف این پژوهش تبیین شاخصه‌ها، چهارچوب و اصولی برای «تحقق معماری اسلامی» با بهره‌گیری از مبانی



تصویر ۶. جمع‌بندی: شرط لازم برای تحقق معماری اسلامی «معرفت مبتنی بر حکمت اسلامی» و شرط کافی «مهارت» معمارانه برای تبدیل نظر به عمل و اثر است. مأخذ: نگارندگان.

(کمک به اسلامی شدن نظام عرضه معماری) و از دیگر سو، تبدیل به مطالبه عمومی در نظام عرضه-تقاضا (معماران و بهره‌برداران) شود.

- در قانون‌گذاری و تدوین ضوابط معماری باید اصول معماری اسلامی مبنا قرار گیرد و البته به آن عمل شود. در گام اول، می‌توان قوانین و ضوابط جاری معماری و شهرسازی را با رویکرد اسلامی بازنگری کرد و یک پیوست «اسلامی» به آن اضافه کرد. هرچند در گام‌های بلندمدت‌تر به موازات فرایند فوق، باید با رویکردی تأسیسی، به تدوین قوانین معماری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی پرداخت تا شاید در ۱۰ سال آینده تحولی اساسی در ضوابط معماری و شهرسازی در جهت شکل‌گیری مکان شایسته «حیات طیبه» جامعه به وقوع بپیوندد.

- مدیریت و حکمرانی معماری باید بر مبنای نگرشی جامع به معماری اسلامی باشد و از یک سو از تکرار و تقلید گذشته (معماری سنتی) به نام معماری اسلامی پرهیز شود و از دیگر سو، با نام روزآمدی و مدرنیته نباید آموزه‌های حکمت اسلامی در معماری زیر پا گذاشته شود.

- در صنایع ساختمانی، تولید مواد و مصالح باید براساس نگرش زیست‌محیطی اسلام در معماری مبنای کار قرار گیرد. بخش‌های پژوهش و توسعه صنایع ساختمانی، همراه با پارک‌های فناوری فضای خوبی برای بازنگری در اصل تعریف مسئله برای تولید مصالح ساختمانی هستند.

- در فرایند طراحی و ساخت، مهندسان مشاور، دفاتر معماری و پیمانکاران باید براساس چنین نگرشی به معماری اسلامی اقدام به طراحی و اجرای ساختمان‌های تراز جمهوری اسلامی کنند.

امید است با رعایت اصول معماری اسلامی در این هفت عرصه، زمینه شکل‌گیری «معماری شایسته» و در پی آن «زندگی شایسته (حیات طیبه)» جامعه فراهم آید.

پژوهش‌های آتی

از آنجاکه تولید علم درباره «معماری اسلامی» مبنای شکل‌گیری آثار معماری تراز جمهوری اسلامی با یک رویکرد تمدن‌ساز^{۲۴} خواهد شد، اهمیت به‌سزایی دارد. بنابراین در پژوهش‌های آینده باید تحقیقاتی برای توسعه و تعمیق هر یک از ۲۰ معیار «اسلامی‌شدن معماری» و اثربخشی آن بر «حکمرانی حکیمانه معماری» در کشور انجام شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. رهبر حکیم انقلاب هدف غایی انقلاب اسلامی را دستیابی و رسیدن به تمدن نوین اسلامی - ایرانی تبیین کرده است. ایشان دستیابی به این مهم را مشروط به پیمودن پنج مسیر می‌داند: ۱. ایجاد انقلاب اسلامی، ۲. شکل‌دادن نظام اسلامی، ۳. ایجاد دولت اسلامی، ۴. ایجاد جامعه اسلامی، ۵. تحقق تمدن نوین

ایرانی اسلامی (Abbas Tabar Moghari, 2023).

۲. علم سکولار به اصلاح علمی بی‌طرف است اما علم نمی‌تواند بدون متافیزیک و پیش‌فرض عالم و بی‌طرف بنا شود پس یا الهی است یا الحادی. علم سکولار بر پایه دو پیش‌فرض به وجود می‌آید: ۱. معلوم خودساخته و خودبنیاد است، ۲. زمین خالق ندارد و تمامی مواهب، تولید علم انسان است. در قرآن کریم نمونه علم سکولار در آیه ۷۸، سوره قصص بیان شده است: «... إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي...» (... همانا این به واسطه دانشی که نزد من است ...)

۳. بنیانه گام دوم انقلاب در هفت فصل توسط رهبری حکیم بیان شده است: ۱. علم و پژوهش، ۲. معنویت و اخلاق، ۳. اقتصاد، ۴. عدالت و مبارزه با فساد، ۵. استقلال و آزادی، ۶. عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن، ۷. سبک زندگی. ایشان برای پیمودن گام دوم، شناخت مسیر پیموده‌شده در گام اول را ضروری دانسته و آن را مشروط به شناخت ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود و همچنین شناخت خطرهای موجود و راه مقابله با آن‌ها می‌داند. ایشان همچنین در این بیانیه، سرمایه‌های مهم کشور در راه پیمودن گام دوم انقلاب را به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱. سرمایه‌های مادی، ۲. سرمایه‌های انسانی، ۳. سرمایه‌های ایمانی و الهی (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

۴. منبع اصلی آموزه‌های وحی عبارت است از «قرآن و عترت» که به معنای گفتار و رفتار آثار چهارده معصوم (انسان کامل) است اما شاخه‌های آن در علوم اسلامی به‌طور تخصصی‌تر متبلور شده است؛ علومى همچون: کلام، اخلاق، فقه، حقوق و ... که مجموع آنها «حکمت اسلامی» نامیده می‌شود. به‌تدریج باید جنبه تخصصی بگیرد و در هر یک از رشته‌ها همچون «معماری و شهرسازی» نیز مبانی و اصول تخصصی کشف شده است و مبنای اقدامات عملی برای عمران و آبادانی کشور قرار گیرد.

۵. سوره عنکبوت، آیه ۲۰: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» بگو: در زمین بگردید، پس بنگرید که (خداوند) چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس (همان) خدا نشأ آخرت (قیامت) را ایجاد می‌کند، همانا خداوند بر هر کاری بسیار توانا است. ۶. امام رضا (ع) می‌فرماید: «عَلَيْنَا الْإِقَاءُ الْأَصُولَ وَ عَلَيْكُمْ التَّفَرُّعُ»؛ بر ماست که اصول را برای شما بیان کنیم و بر شماست که فروع را استخراج کنید (Majlesi, 2011).

۷. اندیشمندان، حکمت را به دو بخش «نظری و عملی» دسته‌بندی می‌کنند که حکمت نظری شامل «الهیات، طبیعیات، ریاضیات» است و هدف یا موضوعش «تبیین انسان و طبیعت و ماوراء طبیعت» است که هر سه خارج از اختیار انسان هستند. حکمت عملی شامل «اخلاق فردی، تدبیر منزل خانوادگی، سیاست مدّن اجتماعی» است که موضوعش «تبیین فعل انسان» در سه حوزه یادشده و هر سه در اختیار انسان است. برخی اندیشمندان قدیم «حکمت صناعی» را نیز به‌عنوان شاخه کاربردی‌تر حکمت بیان کرده‌اند که موضوعش قواعد تغییر در طبیعت است (نه تبیین آن). مثلاً ارسطو این بخش سوم را مطرح کرد که در تقسیم‌بندی فلاسفه مسلمان نیامد و استقبال نشد. برخی اسلام‌شناسان معاصر همچون شهید مطهری، آیت‌الله جوادی آملی و ... قائل به «حکمت مضاف» و «فقه» هستند که هدف آن کاربردی حکمت نظری و عملی در تخصص‌های متنوع امروز است. ایشان معتقدند که باید فقیهان متخصص در حوزه‌های متنوع علوم جدید تربیت شوند (خسروی‌پناه و بابایی، ۱۳۹۳).

۸. سوره قمر، آیه ۵۴: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» ما هر چه آفریدیم به اندازه آفریدیم.

۹. از منظر اسلامی، حتی «نیت معمار» نیز در «اسلامی‌بودن معماری» اثرگذار است. نیتی که ریشه در معرفت او درباره «انسان و جهان و معبود» دارد. همین‌که در هستی‌شناسی و معبودشناسی اسلامی، کار نهایی را از آن خدا می‌دانیم، یکی از مبانی نظری «معماری اسلامی» است. به‌عنوان نمونه پیامبر الهی حضرت شعیب (ع) به‌عنوان الگوی عملی انسان شایسته به «معمار مسلمان» چنین آموزش می‌دهد که در نهایت باید از خدا توفیق و موفقیت خواست و بر او توکل کرد. سوره هود، آیه ۸۸: «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيْتِكُمْ مِنْ رَبِّی وَرَاقِنًی مِّنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أَرِیدُ أَنْ أَخَالِفْكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَنْهُ إِن أَرِیدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِیقِی إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَیْهِ أَنِیبُ»؛ گفت: ای قوم من! مرا خبر دهید اگر من بر دلیل روشنی از سوی پروردگارم متکی باشم و از جانب او رزق نیکویی به من داده باشد آیا رواست که خلاف خواسته او عمل کنم؟ و من نمی‌خواهم آنچه که شما را از آن باز می‌دارم خود مرتکب شوم؛ تا جایی که قدرت دارم جز اصلاح [شما را] نمی‌خواهم؛ و توفیقم فقط به [اری] خداست؛ بر او توکل کردم و به سوی او باز می‌گردم.

۱۰. روایتی از حضرت امام کاظم (ع): قَالَ مُوسَىٰ بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حَجَّتَيْنِ حَجَّةٌ ظَاهِرَةٌ وَحَجَّةٌ بَاطِنَةٌ، فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ

که در نهایت، پیامد آن باید لذت ذکر خداوند و رشد انسان از این طریق باشد (حیات طیبه) (نقره کار، بی.تا).

۲۱. برگرفته از شعری منتسب به شیخ بهایی (۱۳۹۱): آن کس که بدم گفت، بدی سیرت اوست، وان کس که مرا گفت نکو خود نیکوست - حال متکلم از کلامش پیداست، از کوزه همان برون تراود که در اوست.

۲۲. اندیشمندان عرفان، مراتب سیر و سلوک عارف (شناسنده، محقق حقیقی که در جستجوی حق و حقیقت ناب است) را همین سه مرتبه دانسته اند (انصاریان، ۱۳۸۶).

۲۳. کتاب «پایان نامه معماری، با دریافتی از حکمت اسلامی» (نقره کار، ۱۴۰۳) که ضمن تشریح این هفت عرصه، آن را «سپهر معماری» نامگذاری کرده، چراکه فضای کسب و کار معماران (فضای پرواز معماران) نیز است.

۲۴. رهبری حکیم در بیانات متعدد و از جمله در سند ملی بیانیه گام دوم حرکت به سمت «تمدن سازی نوین اسلامی-ایرانی» را یکی از اهداف اصلی نظام جمهوری اسلامی مطرح فرمودند (خامنه ای، ۱۳۹۷).

فهرست منابع

- اندرزهای امام کاظم علیه السلام. (بی.تا). کتابخانه احادیث شیعه. بازایی شده در ۱۴۰۲، <https://www.hadithlib.com/hadithtexts/view/30022116>
- انصاریان، حسین. (۱۳۸۶). عرفان اسلامی (ج. ۱). دارالعرفان.
- باقری، خسرو. (۱۳۹۳). مدل تأسیسی علم دینی. انتشارات حکمت اسلامی.
- بستان، حسین. (۱۳۹۵). روش نظریه سازی دینی در علوم اجتماعی. روش شناسی علوم انسانی، ۲۲ (۸۶)، ۱۲۱-۱۴۱. https://method.rihu.ac.ir/article_1150.html?lang=fa
- بلانین، محمدرضا. (۱۳۸۶). علم سکولار یا علم دینی؟. معرفت، ۱۲۱ (۱۳۶-۱۳۷). <https://encr.pw/euxcX>
- پیروزمند، علیرضا. (۱۳۹۲). دوگونگی و ابهام در سرنوشت اسلامیت علوم در کلام فلسوف متاله. نقد کتاب، ۱۵ (۶۹)، ۱۲۹-۱۸۰. https://naghd.iict.ac.ir/article_704100.html
- تبیین نظریه علم دینی توسط آیت الله رشاد. (۱۳۹۸). پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. بازایی شده در ۱۴۰۲، <https://iict.ac.ir/1398/07/elmedini>
- تهرانی، مجتبی. (۱۴۰۲). ادب الهی (ویراستار محسن عطری نژاد و سید علی اکبر حسینی). مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی.
- حجت، عیسی. (۱۳۸۲). آموزش معماری و بی ارزشی ارزش ها. هنرهای زیبا، ۱۴ (۱۴)، ۶۳-۷۰. https://journals.ut.ac.ir/article_10814.html
- خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۷). بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای. بازایی شده در <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- خسروپناه، عبدالحسین و بابایی، قاسم. (۱۳۹۳). نظریه حاکمیت جهان بینی دینی بر دانش. کتاب نقد، ۱۶ (۷۲-۷۳)، ۸۹-۱۳۳. https://naghd.iict.ac.ir/article_703986.html
- خمینی، روح الله. (۱۳۹۵). شرح دعای سحر. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- سوزنجی، حسین. (۱۳۸۹). معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی. پژوهشگاه مطالعات فرهنگی اجتماعی و تمدنی.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین. (۱۳۹۱). دیوان شیخ بهایی. زرین.

وَالْأَنْثَى، وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ. «اصول کافی ج ۱ ص ۱۶؛ امام کاظم (ع) در سخنان خود به هشام بن حکم فرمود: خداوند را بر مردم دو حجت است: حجتی آشکار و حجتی پنهان و درونی. اما «حجت آشکار»، رسولان و پیامبران و امامانند اما «حجت باطنی»، عقل هاست (اندرزهای امام... بی.تا).

۱۱. سورة نحل، آیه ۱۳: «وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذْكُرُونَ»؛ و [همچنین] آنچه را در زمین به رنگ های گوناگون برای شما پدید آورد [مسخر شما ساخت]، بی تردید در این [امور] برای مردمی که پند می گیرند، نشانه ای است.

۱۲. نظریه ابطال پذیری علوم که توسط اندیشمندانی چون «پوپر» مطرح است، در مورد دستاوردهای بشری علوم طبیعی که با روش پژوهش و تحلیل استقرایی به دست می آید، صحیح است اما در مورد علوم وحیانی که کلام رب و خالق جهانیان است، اعتباری ندارد. چون کلام و حکم خداوند در هر زمان و مکانی، نافذ است و یکی است. ... کارل پوپر آنچه را که علم باید انجام دهد توصیف می کند. پوپر یک خردگراست و استدلال کرد که مسئله اصلی در فلسفه علم، تمایز علم از غیر علم است. کارل پوپر به عنوان منتقد اصلی استقرائری ظهور کرد؛ پوپر ابطال پذیری را به عنوان ملاک تشخیص بین نظریه علمی و غیر علمی را جایگزین روش کلاسیک مشاهده ای - استقرایی کرد. ... تمام شواهد استقرایی محدود است: انسان جهان را همیشه و در همه مکان ها مشاهده نمی کند. بنابراین حق ندارد از این مشاهده جزئیات یک قانون کلی را داشته باشد. طبق نظر پوپر، نظریه علمی باید پیش بینی هایی را آزمایش کند که در صورت نادرست بودن این پیش بینی ها، این نظریه باید رد شود. وی اظهار داشت که اگر استدلال قیاسی به عنوان کانون اصلی شناخته شده به عنوان خردگرایی انتقادی استفاده شد، علم بهترین پیشرفت را خواهد داشت.

۱۳. سورة جائیه، آیه ۱۳: و همه آنچه را در آسمان هاست و آنچه را در زمین است از سوی خود برای شما مسخر و رام کرد؛ بی تردید در این امور برای مردمی که می اندیشند، نشانه هایی ابر ربوبیت، حکمت و قدرت خدا است.

۱۴. سورة هود، آیه ۶۱: و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را [فرستادیم] گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید؛ شما را جز او هیچ معبودی نیست و او شما را از زمین به وجود آورد و از شما خواست که در آن آبادانی کنید؛ بنابراین، از او آموزش بخواهید، سپس به سوی او بازگردید؛ زیرا پروردگارم [به بندگانش] ۱۵. علت های چهارگانه ارسطویی-سینایی که شهید مطهری (۱۳۹۸) در شرح منظومه این گونه توضیح می دهند: علت داخلی عبارت است از علت مادی و علت صوری و علت خارجی عبارت است از علت فاعلی و علت غایی. توضیح آن که در تقسیمی که از ارسطو به ارث مانده، علت منقسم شده است به چهار مورد: ۱ - علت فاعلی، ۲ - علت غایی، ۳ - علت مادی، ۴ - علت صوری. معمولاً در مثال مصنوعات بشری را در نظر می گیرند. مثلاً می گویند این خط که بر این صفحه نوشته شده است، فاعلی دارد و غایتی و ماده ای و صورتی. فاعل شخص نویسنده است، غایت عبارت است از هدفی که نویسنده از نوشتن این خط در نظر دارد، از قبیل این که معنی الفاظی را که به صورت نوشته در آورده است، به دیگران بفهماند، یا ...، ماده، عبارت است از آن جوهر یا مرکبی که در اینجا به کار رفته است. صورت، عبارت است از هیئت و شکل مخصوصی که به صورت حروف و کلمات پدیدار شده است. در تمام مصنوعات بشری قانون چهار علت صادق است.

۱۶. مراتب چهارگانه نفس در روایت امیرالمؤمنین (مشهور به روایت کمیل) که نفس آدمی را دارای چهار مرتبه «نامیه نباتیه، حسیه حیوانیه، ناطقه قدسیه و ملکه الهیه» معرفی می فرمایند (نقره کار، ۱۳۸۹).

۱۷. شهید مطهری در کتاب «آشنایی با علوم اسلامی»، این علوم را شامل تفسیر، تدبیر و حدیث معرفی می کند (Motahari, 1996).

۱۸. استاد مرحوم مجتبی تهرانی (ره) رعایت این حدود و حقوق الهی را «ادب الهی» نامگذاری کرده اند. بنابراین می توان گفت که معمار مسلمان، «معمار مؤدب به ادب الهی» است (تهرانی، ۱۴۰۲).

۱۹. سورة ذاریات، آیه: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند.

۲۰. در میان تعاریفی که برای زیبایی مطرح شده می توان یک دسته بندی کرد. برخی صفات حقیقی آن را بیان کرده اند، برخی نمود بیرونی آن را و برخی تأثیری که بر انسان می گذارد را. گویی زیبایی یک حقیقتی دارد، که در واقعیت به صورت نظم و تعادل متجلی می شود و یک تأثیری بر انسان می گذارد. حقیقت زیبایی، صفات حسن پروردگار است که در جهان متجلی شده و هنرمند، آن را کشف و بیان می کند (صفاتی همچون جمال، خیر، حسن و نیکویی)؛ واقعیت و نمود بیرونی زیبایی همانا تعادل، توازن، هماهنگی، تقارن، نظم، آراستگی، زینبندی است و غایت آن، تأثیر بر انسان: ایجاد لذت، بهجت و سرور، خوش آمد،

- and Humanities, 25(98), 29-49. https://method.rihu.ac.ir/article_1561.html?lang=en
- Fanaei Ashkouri, M. (2013). A Believers' Account of Modern Sciences. *Methodology of Social Sciences and Humanities*, 18(72), 7-30. https://method.rihu.ac.ir/article_188.html?lang=en
 - Geraei, A., & Mesbah, A. (2020). Critique of the Islamic Sciences Academy's view in religious science. *Isra Hikmat*, 12(1), 93-128. https://hikmat.isramags.ir/article_132168.html?lang=en
 - Gharaati, M. (2015). *Portrait of housing and urban islamic*. Cultural Center of Lessons from the Quran.
 - Golshani, M. (2012). *The holy Quran and the sciences of nature*. Institute for Humanities and Cultural Studies.
 - Golshani, M. (2015). *From secular science to religious science*. Institute for Humanities and Cultural Studies.
 - Jawadi-Amuli, A. A. (2007). *Right obligation in Islamic*. Esra.
 - Jawadi-Amuli, A. A. (2008). *Shariat in the light of cognition*. Esra.
 - Jawadi-Amuli, A. A. (2020). *The role of the intellect in the Geometry of Religious Knowledge*. Esra.
 - Jawadi-Amuli, A. A. (2023). *Religious Science* (H. Parsania, Ed.). University of Tehran Press.
 - Khosropanah, A. (2012). Explanation and analysis of "Velayee" theory of knowledge. *Methodology of Social Sciences and Humanities*, 18(71), 9-44. https://method.rihu.ac.ir/article_194.html?lang=en
 - Khosropanah, A. (2013). Interaction between Reason and Religion and Its Impact on Islamic Culture. *Strategy for Culture*, 6(23), 29-52. https://www.jsfc.ir/article_15325.html?lang=en
 - Majlesi, M. B. (2011). *Bihar al-Anwar. Dar al-Kutub al-Islamiyyah*.
 - Mardani, S. Z., Hojat, I., & Maaref, M. (2023). The investigation of the challenge of "Islamic architecture" and "Muslim architecture". *Bagh-e Nazar*, 20(127), 49-60. <https://doi.org/10.22034/bagh.2023.370505.5294>
 - Mesbah Yazdi, M. T. (2015). *Realationship between religion and science* (A. Mesbah Yazdi, Ed.). Imam Khomeini Educational and Research Institute.
 - Mohammadi Abtahi, S. M. T. (2022). *An Introduction to the idea of Islamic Humanities. Markaz-e Oloum Ensani-ye Islami-ye Sadra* [Sadra Islamic Human Sciences Research Center].
 - Moradpour, R., Mondegar, K., & Nadimi, H. (2019). Ethics of building (perspective of virtue ethics and Kantian ethics). *Journal of Architectural Thought*, 3(5), 1-16. <https://doi.org/10.30479/at.2019.10521.1174>
 - Motahari, M. (1996). *Understanding Islamic sciences: philosophy, theology, mysticism, morality, jurisprudence*. Sadra.
 - Nari Ghomi, M., & Noghrekar, S. (2016). A scope to situation of architectural technology amongst the system of Hekmat
 - قربانی، رحیم. (۱۳۹۳). معماری و شهرسازی مطلوب اسلامی. شبکه اندیشه.
 - گلشنی، مهدی. (۱۳۹۴). چرا علم اسلامی معنادار و مطلوب است. نقد کتاب، ۱۶(۷۳-۷۲)، ۲۰۱-۲۳۱. https://naghd.iict.ac.ir/article_703992.html
 - مطهری، مرتضی. (۱۳۹۱). عقل و علم. بینش مطهر.
 - مطهری، مرتضی. (۱۳۹۸). شرح مبسوط منظومه (ج. ۲). صدا.
 - موحد ابطحی، سید محمدتقی. (۱۴۰۲). تأملاتی در باب علم دینی. پژوهشگاه مطالعات فرهنگی اجتماعی و تمدنی.
 - میرباقری، سید مهدی. (۱۳۹۶). نسبت دین با علم و فناوری. تمدن نوین اسلامی.
 - نقره کار، سلمان. (۱۴۰۱). تبیین مفهوم معماری اسلامی و تأثیر آن بر فرایند طراحی، نقد معماری، آموزش معماری و تربیت معماران [نشست]. کرسی ترویجی نظریه پردازی معماری اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.
 - نقره کار، سلمان. (۱۴۰۳). رهپویی، راهنمایی و داوری پایان نامه معماری با دریافتی از حکمت اسلامی. دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
 - نقره کار، سلمان. (بی.تا). حکمت معماری اسلامی [جزوه درسی منتشر نشده]. دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
 - نقره کار، عبدالحمید. (۱۳۸۹). مبانی نظری معماری. دانشگاه پیام نور.
 - نقی زاده، محمد. (۱۳۹۵). کرسی نظریه پردازی: فضای حیات طیه؛ شهر آرمانی اسلام. مطالعات معماری ایران، ۵(۹)، ۱۹۳-۱۹۶. https://jias.kashanu.ac.ir/article_111766.html
 - Abbas Tabar Moghari, R. (2023). The perspective of the Islamic revolution in the realization of the new Islamic-Iranian civilization. *Scientific Journal Political Sociology of the Islamic Revolution*, 2(1), 7-22. https://www.psirj.ir/article_144864.html?lang=en
 - Agasharifian Esfehiani, M., & Aminpour, A. (2015). Magnanimity letter of architecture; Fourteen main principles of professional ethics in architecture and urbanism. *The Culure if Islamic Architecture & Urbanism*, 1(1), 81-100. <http://ciauj-tabriziau.ir/article-1-70-fa.html>
 - Aminpoor, A., Piroozmand, A., & Jahan Bakhsh, A. (2018). The methodology of theorizing Islamic art and architecture. *Methodology of Social Sciences and Humanities*, 24(96), 71-89. <https://doi.org/10.30471/mssh.2018.1504>
 - Azadegan, E. (2013). A Comparison between the Philosophical Foundations of Religious Science and Naturalistic Science. *Methodology of Social Sciences and Humanities*, 18(72), 31-54. https://method.rihu.ac.ir/article_189.html?lang=en
 - Bagheri, Kh. (2012). *The nature of religious science: an epistemological view on the relationship between religion and human science*. Ministry of Culture & Islamic Guidance.
 - Bostan, H. (2019). Revising Ijtihadi-Experimental Model of Religious Science. *Methodology of Social Sciences*

(wisdom) of Muslims. *Journal of Islamic Architecture Research*, 4(3), 76-93. <http://jria.iust.ac.ir/article-1-548-fa.html>

• Noghrekar, A. H. (2021). *Islamic wisdom in the creation of works of neo and urbanism*. Soroush.

• Noghrekar, S. (2022). Forty steps to compile the "School of Islamic Architecture" - (In search of a model for the comprehensive benefit of the teachings "Islamic Wisdom" in "Architecture"). *Journal of Islamic Architecture Research*, 9(4), 123-139. <http://jria.iust.ac.ir/article-1-1523-fa.html>

• Sadeghi Rashad, A. A. (2021). A Second Look at the Criterion of Religious Science. *Qabasat*, 26(100), 5-14. https://qabasat.iict.ac.ir/article_245061.html?lang=en

• Sharifi, A. H. (2017). *Methodology of Islamic Humanities*. Markaz-e Oloum Ensani-ye Islami-ye Sadra [Sadra Islamic Human Sciences Research Center].

• Vaezi, A. (2008). Religious Science in the View of Ayatollah Javadi Amoli. *Methodology of Social Sciences and Humanities*, 14(54), 9-23. https://method.rihu.ac.ir/article_440.html



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

نقره‌کار، سلمان و ابراهیمی، مهدی. (۱۴۰۳). تحقیق «معماری اسلامی» از دیدگاه نظریه «علم دینی» (در جستجوی مبانی نظری برای «مکتب معماری اسلامی» به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های «تمدن‌سازی نوین اسلامی-ایرانی»). *باغ نظر*, ۲۱(۱۴۱), ۴۳-۶۰.

DOI: 10.22034/BAGH.2025.462241.5625

URL: https://www.bagh-sj.com/article_214557.html

